

بررسی پیامدهای حملات نظامی پاکستان بر غیر نظامیان در افغانستان

(دسامبر ۲۰۲۴ - جون ۲۰۲۶)

جولای ۲۰۲۶



رواداری یک نهاد مستقل و غیر جانب‌دار است که با هدف نظارت بر وضعیت حقوق بشر، توسعه فرهنگ حقوق بشری در افغانستان و تلاش برای تأمین فرهنگ حسابه‌ی و عدالت قربانی‌محور تأسیس شده است. بنابراین، این نهاد با رعایت کامل اصل بی‌طرفی و احترام به تمامی اصول و معیارهای پذیرفته شده‌ی جهانی حقوق بشر، کار و فعالیت می‌کند که گزارش حاضر نیز در همین راستا و به منظور بازتاب واقع‌بینانه رویدادهای نقض حقوق بشر آن‌گونه که واقع شده است، منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

۳	مقدمه
۴	پیشینه
۵	روش تحقیق
۶	محدودیت‌های تحقیق
۷	چارچوب حقوقی
۷	اصول اساسی
۷	الف. اصل تفکیک
۷	ب. اصل تناسب
۸	ج. اصل احتیاط
۹	بررسی و تحلیل یافته‌های تحقیق
۹	جزئیات مرتبط با حملات انجام شده
۱۰	الف. حملات هوایی
۱۰	ب. حملات زمینی / راکتی
۱۰	ج. حملات ترکیبی (زمینی و هوایی)
۱۰	د. زمان انجام حملات
۱۱	ه. هشدار قبلی
۱۱	و. فاصله محل حملات با مراکز و تاسیسات نظامی
۱۳	جزئیات تلفات غیر نظامیان
۱۵	الف. تلفات انسانی ناشی از حملات هوایی
۱۵	حمله بر یک کمپ درمان و بازپروری معتادان در شهر کابل
۱۸	حملات هوایی بر ولسوالی برمل ولایت پکتیکا
۱۹	حملات هوایی بر ولسوالی گریز ولایت خوست
۲۱	حملات هوایی بر ولسوالی بهسود ولایت ننگرهار

- ۲۳ ب. حملات زمینی / راکتی
- ۲۳ حمله راکتی بر مرکز و ولسوالی نری ولایت کنر
- ۲۴ ج. حملات همزمان هوایی و زمینی بر ولایت‌های قندهار و کنر
- ۲۴ حمله بر ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار
- ۲۵ حمله بر ولایت کنر
- ۲۶ حمله بر غیر نظامیان در جریان تشیع و تدفین قربانیان

- ۲۷ **حمله بر اموال غیر نظامی و تاسیسات عمومی**
- ۲۹ الف. تعداد خانه‌های مسکونی تخریب شده
- ۳۰ ب. تخریب تاسیسات عمومی و زیرساخت‌های غیر نظامی
- ۳۱ انسداد مسیر مواصلاتی ولسوالی‌های برگ‌متال و کامدیش ولایت نورستان

- ۳۳ **بی‌جاشدگی**
- ۳۴ مشکلات خانواده‌های بی‌جاشده
- ۳۵ اقدامات مسئولان محلی و سازمان‌های امداد رسان

- ۳۷ **پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی حملات بر زندگی غیر نظامیان**
- ۳۸ الف. آسیب‌های روانی بر قربانیان و خانواده‌های آنان
- ۳۸ ب. پیامدهای حملات بر زنان
- ۳۹ ج. پیامدهای روانی حملات بر کودکان و محرومیت آن‌ها از حق آموزش
- ۴۰ د. پیامدهای اقتصادی و اجتماعی

- ۴۲ **نتیجه‌گیری**
- ۴۳ **پیشنهادهای**

مقدمه

گزارش حاضر بر اساس شواهد میدانی، روایت‌های قربانیان و سایر اطلاعات بدست‌آمده از منابع محلی تهیه شده است. هدف اصلی بررسی پیامدهای انسانی و حقوقی حملات نظامی پاکستان بر زندگی غیرنظامیان در افغانستان، حمایت از قربانیان، تقویت پاسخ‌گویی و ارتقای آگاهی عمومی است. این گزارش، موارد مستند شده نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناشی از حملات نظامی پاکستان را در فاصله زمانی اول دسامبر ۲۰۲۴ تا پایان جون ۲۰۲۶ در بر می‌گیرد و رویدادهای خارج از این محدوده زمانی را شامل نمی‌شود.

بر بنیاد یافته‌های این تحقیق و شواهد گردآوری‌شده، نیروهای نظامی پاکستان در مدت زمان یاد شده، حملات متعددی را در ولایت‌های خوست، پکتیا، پکتیکا، نورستان، ننگرهار، قندهار، هلمند و کابل انجام داده‌اند که در نتیجه آن، دست‌کم ۱۱۸۷ غیرنظامی کشته و زخمی شده، بیش از ۲۹ هزار خانواده بی‌جا و صدها خانه مسکونی، مراکز درمانی، مکاتب، مساجد و سایر تأسیسات و زیرساخت‌های غیرنظامی به‌طور کامل یا جزئی تخریب شده‌اند.

از این میان، در نتیجه یک حمله نیروهای هوایی پاکستان بر یک مرکز درمان و بازپروری معتادان در شهر کابل، دست‌کم ۳۰۰ نفر از بیماران و کارکنان این مرکز کشته و زخمی شده‌اند؛ اقدامی که بر اساس یافته‌های این تحقیق، نقض صریح اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده و می‌تواند مصداق جنایت جنگی تلقی شود.

از سوی دیگر، اطلاعات گردآوری‌شده نشان می‌دهد که نیروهای نظامی پاکستان به مدت بیش از دو ماه از اول فبروری تا ۱۴ اپریل ۲۰۲۶ یگانه مسیر مواصلاتی ولسوالی‌های کامدیش و برگ‌متال ولایت نورستان را با مرکز این ولایت و ولایت‌های کنر و ننگرهار به‌طور کامل مسدود کرده بودند. این اقدام عملاً دو ولسوالی یادشده را طی این مدت، در شرایط دشواری قرار داده و دسترسی باشندگان آن به مواد غذایی، خدمات صحتی و سایر نیازهای اساسی را با مشکلات جدی مواجه ساخته بود.

با این همه، شواهد گردآوری‌شده نشان می‌دهد که آثار حملات نیروهای نظامی پاکستان، به تلفات انسانی و خسارات مادی محدود نمانده، بلکه پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی عمیقی بر قربانیان، خانواده‌های آنان و جوامع محلی بر جای گذاشته است. ترس مداوم، از دست رفتن احساس امنیت، اختلال در آموزش کودکان، تشدید فقر و بی‌جاشدگی از جمله موارد مشترکی‌اند که در روایت‌های اکثر مصاحبه‌شوندگان این تحقیق برجسته شده است.

این الگوها نشان می‌دهد که پیامدهای مخاصمه حتی پس از پایان حملات، هم‌چنان بر زندگی غیرنظامیان سایه افکنده و روند بازگشت آنان به زندگی عادی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

پیشینه

در جریان سال‌های اخیر، مناطق مرزی افغانستان و پاکستان بارها شاهد تنش‌های امنیتی و درگیری‌های مسلحانه بوده‌اند. این تنش‌ها به‌ویژه از اواخر سال ۲۰۲۴ به بعد و هم‌زمان با افزایش حملات مسلحانه تحریک طالبان پاکستان علیه نیروهای نظامی و امنیتی پاکستان، شدت بیشتری یافته است. دولت پاکستان بارها طالبان در افغانستان را به حمایت از تحریک طالبان پاکستان متهم نموده و ادعا کرده است که اعضای این گروه در داخل خاک افغانستان و به‌خصوص در امتداد خط دیورند، حضور داشته و از آن‌جا حملات خود را علیه پاکستان سازمان‌دهی و اجرا می‌کنند. اما مقامات طالبان این اتهامات را رد کرده‌اند. با این وجود، تحریک طالبان پاکستان، در موارد متعدد طی این مدت، رسماً مسئولیت حمله بر نیروهای پاکستانی را بر عهده گرفته است.

در پی افزایش این تنش‌ها، نیروهای پاکستانی در موارد متعددی حملاتی را در داخل خاک افغانستان تحت عنوان عملیات ضد تروریستی انجام داده و در مقابل، نیروهای طالبان نیز مواضع نیروهای پاکستان در امتداد خط دیورند و داخل این کشور را هدف حملات مسلحانه قرار داده‌اند. درگیری‌ها میان دو طرف به‌ویژه از اواخر سال ۲۰۲۴ به این سو، تشدید یافته و تا زمان تهیه این گزارش همچنان ادامه پیدا کرده است.

حملات مورد بررسی در این گزارش، محدود به یک رویداد یا یک منطقه مشخص نبوده بلکه در بازه زمانی مورد نظر، در چندین ولایت افغانستان و در قالب حملات هوایی، زمینی و ترکیبی تکرار شده‌اند. بخش قابل توجهی از این حملات در مناطق مسکونی و روستاهای واقع در امتداد خط دیورند رخ داده است؛ مناطقی که محل سکونت هزاران خانواده غیر نظامی می‌باشند.

با این حال، گزارش‌های منتشرشده از سوی رسانه‌ها، سازمان‌های حقوق بشری و سایر منابع نشان می‌دهد که حملات نیروهای نظامی پاکستان در افغانستان، پیامدهای گسترده‌ی برای غیر نظامیان به همراه داشته و طی این مدت شمار قابل توجهی از غیر نظامیان کشته و زخمی شده‌اند. هم‌چنین، خانه‌های مسکونی و برخی تاسیسات عمومی و خدماتی آسیب دیده یا به صورت کامل تخریب شده‌اند. افزون بر این، تعداد زیادی از خانواده‌ها در نتیجه خشونت و ناامنی ناشی از حملات پاکستان، مجبور به ترک محل زندگی خود شده‌اند.

با توجه به ماهیت درگیری‌های مسلحانه میان نیروهای طالبان و نیروهای نظامی پاکستان که شامل حملات متقابل هردو طرف در قلمرو یکدیگر می‌شود، وضعیت موجود، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه واجد ویژگی‌های یک مخاصمه مسلحانه بین‌المللی تلقی می‌شود. از این رو، در گزارش حاضر پیامدهای انسانی حملات نظامی پاکستان، در پرتو قواعد و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق

گزارش حاضر بر اساس تحقیقات میدانی، مصاحبه با قربانیان، شاهدان عینی و سایر منابع محلی تهیه شده است که رویدادهای مربوط به دوره زمانی اول دسامبر ۲۰۲۴ تا پایان جون ۲۰۲۶ را در بر می‌گیرد. دامنه این تحقیق صرفاً به مستندسازی و ارزیابی موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناشی از حملات نظامی پاکستان در قلمرو افغانستان محدود است و رویدادها یا موارد احتمالی نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در قلمرو پاکستان اتفاق افتاده به دلیل محدودیت دسترسی به منابع و اطلاعات لازم، موضوع گزارش حاضر نیستند.

فرایند مستندسازی و مصاحبه با قربانیان، شاهدان عینی و دیگر منابع محلی، در بازه زمانی اول اکتبر ۲۰۲۵ تا ۲۱ جون ۲۰۲۶ انجام شده و اطلاعات بدست‌آمده با استفاده از روش ترکیبی کیفی و کمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

در جریان این تحقیق، با ۲۲ مرد شامل قربانیان و اعضای خانواده‌های آنان، شاهدان عینی، کارکنان مراکز صحتی، بزرگان محلی و سایر منابع ذیربط به‌صورت آنلاین مصاحبه شده است. مصاحبه‌شوندگان از ولایت‌هایی انتخاب شده که در مدت زمان یاد شده، شاهد حملات مسلحانه نیروهای پاکستانی بوده‌اند. بخشی از این مصاحبه‌شوندگان توسط تیم تحقیق و ناظران رواداری شناسایی شده و بخشی دیگر نیز از طریق مصاحبه‌شوندگان قبلی معرفی شده‌اند.

مصاحبه‌ها توسط گروهی از محققان رواداری، با استفاده از پرسش‌نامه یک‌سان و نیمه‌ساختاریافته به زبان‌های پشتو و فارسی انجام شده و هر مصاحبه بین یک و نیم تا دو ساعت زمان را در بر گرفته است. قبل از آغاز هر مصاحبه، اهداف تحقیق، تدابیر امنیتی و نحوه نگهداری و استفاده از اطلاعات به تفصیل برای مصاحبه‌شوندگان توضیح داده شده و رضایت آگاهانه شفاهی آنان بدست آمده است.

همین‌طور، ناظران رواداری در بازه زمانی اول اکتبر ۲۰۲۵ تا ۳۰ جون ۲۰۲۶ آمار مربوط به تلفات انسانی، تخریب خانه‌های مسکونی، تاسیسات عمومی و زیرساخت‌های غیر نظامی، بی‌جا شدگی اجباری و سایر اشکال آسیب‌های وارده بر غیر نظامیان را در ولایت‌های خوست، پکتیکا، پکتیا، ننگرهار، نورستان، قندهار، هلمند و کابل مستندسازی کرده‌اند. این اطلاعات از شفاخانه‌ها، شوراهای محلی، نهادهای دولتی و مؤسسات غیردولتی و نیز مصاحبه با منابع محلی، شاهدان عینی و خانواده‌های قربانیان بدست آمده است.

هم‌چنین، برای ارزیابی اعتبار اطلاعات مرتبط با رویدادهای نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه که در این گزارش بازتاب یافته است، از شواهد تکمیلی مانند تصاویر، ویدیوها، اسناد شفاخانه‌ها و کلینیک‌ها و گزارش‌های منتشر شده توسط رسانه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری استفاده شده است. با این وصف، از میان موارد گزارش شده، تنها رویدادهای شامل آمار نهایی شده اند که حداقل توسط دو منبع مستقل تایید شده باشد. رویدادهایی که به دلیل محدودیت‌های دسترسی یا کمبود شواهد کافی امکان تایید آن‌ها فراهم نبوده از آمار نهایی حذف شده‌اند.

افزون براین، اطلاعات بدست‌آمده از مصاحبه‌شوندگان بر اساس موضوعات اصلی تحقیق کدگذاری، تحلیل و با سایر شواهد و اطلاعات گردآوری شده تطبیق داده شده است.

محدودیت‌های تحقیق

بخش عمده‌ی از شهروندان غیر نظامی آسیب‌دیده از حملات نظامی پاکستان در بازه زمانی مورد بررسی این تحقیق، عمدتاً باشندگان روستاها و مناطق دور افتاده افغانستان بوده‌اند که یا به خدمات اینترنتی دسترسی منظم و کافی نداشته و یا با پلتفرم‌های آنلاین مصاحبه آشنا نبوده‌اند. به همین دلیل، رواداری نتوانسته است به مصاحبه‌شوندگان بیشتری در این مناطق دسترسی پیدا کند. هم‌چنین، شماری از قربانیان و شاهدان عینی به دلیل نگرانی‌های امنیتی از شرکت در مصاحبه خودداری کرده و نیز برخی دیگر به دلیل بی‌اعتمادی به مکانیسم‌های عدالت و سازمان‌های حقوق بشری، حاضر به صحبت و گفت‌وگو نشده‌اند.

علاوه بر این، شماری از قربانیان که محققان رواداری به آن‌ها مراجعه نموده ارائه اطلاعات و مشارکت در فرایندهای مستندسازی را فاقد نتیجه عملی بر زندگی روزمره خود تلقی نموده و به کمک‌های مادی و معیشتی به عنوان نیازهای اصلی خود اشاره کرده‌اند؛ واقعیتی که بازتاب‌دهنده شکاف موجود میان نیازهای فوری قربانیان و ماهیت بلند مدت فرایندهای پاسخ‌گویی می‌باشد.

تداوم ناامنی و درگیری‌های مسلحانه، هم‌زمان با اعمال محدودیت‌های شدید بر دسترسی به اطلاعات از سوی طالبان، از دیگر چالش‌ها و محدودیت‌هایی بوده که بر روند مستندسازی و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای تهیه این گزارش، تاثیر گذاشته است. چنان‌که از یک سو امکان دسترسی مستقیم به برخی مناطق به دلیل تداوم درگیری‌ها، فراهم نبوده و از سوی دیگر، طالبان هرگونه فعالیت مرتبط با نظارت و مستندسازی نقض حقوق بشر را منع کرده‌اند؛ وضعیتی که روند جمع‌آوری و راستی‌آزمایی اطلاعات را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

با این حال و با توجه به محدودیت‌هایی که توضیح داده شد، احتمالاً ابعاد واقعی پیامدها و آثار حملات نظامی پاکستان بر زندگی شهروندان غیر نظامی در افغانستان و هم‌چنین شمار واقعی رویدادهای نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه در این کشور، بیش از آن چیزی باشد که در این گزارش مستند شده است.

چارچوب حقوقی

حقوق بین‌المللی بشردوستانه مجموعه قواعد و اصولی است که با هدف محدود کردن آثار مخاصمات مسلحانه و حمایت از افرادی که در جنگ مشارکت ندارند یا دیگر در آن مشارکت نمی‌کنند، وضع شده است. این قواعد وسایل و روش‌های جنگ را محدود می‌سازد و رعایت آن‌ها بر تمامی طرف‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه، الزام‌آور است.^۱

ماده دوم مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، مقرر می‌دارد که حتا بدون اعلام رسمی جنگ، تمامی مفاد مندرج در این کنوانسیون‌ها در هرگونه مخاصمه مسلحانه میان دو یا چند دولت عضو اعمال می‌شوند.^۲ هر دو کشور افغانستان و پاکستان عضو کنوانسیون‌های چهارگانه هستند و در نتیجه ملزم به رعایت قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی در جریان مخاصمات مسلحانه جاری می‌باشند.^۳

اصول اساسی

پروتکل الحاقی اول مهم‌ترین سند مکمل کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است که با هدف تنظیم شیوه‌ها و ابزارهای جنگ و حمایت از غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی تصویب شده است.^۴ هرچند پاکستان این پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو را تصویب نکرده است؛ اما اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه مندرج در این سند، از جمله اصول تفکیک، تناسب و احتیاط بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شوند که برای تمامی دولت‌ها و طرف‌های مخاصمه الزامی هستند.

چنان‌که بر اساس مطالعه جامع کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۲۰۰۵،^۵ اصول تمایز، تناسب و احتیاط بخشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی محسوب می‌شوند و برای تمامی دولت‌ها صرف‌نظر از تصویب یا عدم تصویب پروتکل الحاقی اول، الزام‌آور هستند.

الف. اصل تفکیک

بر مبنای این اصل، طرف‌های مخاصمه موظف‌اند همواره میان افراد و اهداف نظامی و نیز میان غیر نظامیان و اموال غیر نظامی، تمایز قایل شوند. چنان‌که ماده ۴۸ این پروتکل مقرر می‌دارد: «به منظور تضمین احترام و حمایت از جمعیت غیر نظامی و اموال غیر نظامی، طرف‌های مخاصمه باید همواره میان جمعیت غیر نظامی و رزمندگان و هم‌چنین میان اموال غیر نظامی و اهداف نظامی تمایز قایل شوند و عملیات خود را تنها علیه اهداف نظامی هدایت نمایند».^۶

ب. اصل تناسب

بر مبنای این اصل، حتا اگر هدف حمله یک هدف نظامی مشروع نیز باشد، نباید خسارات جانبی بیش از حد به غیر نظامیان وارد کند. ماده ۵۱ پروتکل تصریح کرده است: «حملاتی را که انتظار می‌رود موجب تلفات غیر نظامی، مجروحیت غیر نظامیان، آسیب به اموال غیر نظامی یا ترکیبی از این‌ها شود که نسبت به مزیت نظامی مستقیم و مشخص مورد انتظار، بیش از حد باشد، ممنوع است».^۷ با این حال، انجام حمله‌ای که موجب تلفات تصادفی غیر نظامیان یا آسیب به اموال غیر نظامی شود نیز ممنوع اعلام شده است.^۸

1 . International Committee of the Red Cross (ICRC), What is International Humanitarian Law? Geneva, July 2004 .

2 . ICRC, Common Article 2 of the four Geneva Conventions, (1949) .

3 . ICRC, Geneva Convention (IV) on Civilian State Parties (Afghanistan and Pakistan), (1949) .

4 . (Diplomatic Conference on the Reaffirmation and Development of International Humanitarian Law, Protocol Additional to the Geneva Conventions, (Protocol 1), (1977) .

5 . (Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, Customary International Law, Volume I: Rules 1, 14, 15, (2005) .

6 . پروتکل الحاقی اول، ماده ۷۸ .

7 . همان، ماده ۵۱ (ب) .

8 . همان، ماده ۵۷ (۲) (ب) .

ج. اصل احتیاط

این اصل کلیه طرف‌های درگیر را ملزم می‌کند که تمام اقدامات عملی ممکن را برای کاهش آسیب به غیرنظامیان انجام دهند. بر اساس ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول، هدف حمله باید از نظر نظامی بودن بررسی و روش‌ها و وسایل حمله باید به گونه‌ای انتخاب شوند که خسارات غیرنظامی به حداقل برسد. هم‌چنین، از حملاتی که موجب تلفات بیش از حد به غیرنظامیان می‌شود، خودداری گردد. بر اساس این اصل اگر مشخص شود که هدف غیرنظامی است یا موجب تلفات بیش از حد غیرنظامیان می‌شود، حمله باید فوراً متوقف یا تعلیق گردد.^۹

بررسی و تحلیل یافته‌های تحقیق

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در جریان حملات نظامی پاکستان بر افغانستان، غیرنظامیان و اموال غیرنظامی از جمله خانه‌های مسکونی متعلق به شهروندان ملکی، مکاتب، مساجد، مراکز درمانی و دیگر زیر ساخت‌های عمومی به صورت گسترده آسیب دیده و به این گونه، شمار قابل توجهی از شهروندان مجبور به ترک خانه‌ها و محل زندگی خود شده‌اند؛ وضعیتی که نشان‌دهنده عدم پابندی نیروهای نظامی پاکستان به رعایت اصول تفکیک، تناسب و احتیاط می‌باشد.

جزئیات مرتبط با حملات انجام شده

بر اساس اطلاعات بدست‌آمده، نیروهای نظامی پاکستان در بازه زمانی مورد بررسی این گزارش، مجموعه‌ای از حملات هوایی، زمینی و حملات ترکیبی را عمدتاً بر محلات مسکونی و اهداف غیر نظامی در ولایت‌های خوست، پکتیا، پکتیکا، نورستان، ننگرهار، قندهار، هلمند و کابل انجام داده‌اند. با این وجود، به دلیل محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات و چالش‌ها و موانع امنیتی، رواداری صرفاً ۵۰ مورد از این حملات را مستندسازی کرده است.

حمله هوایی پاکستان در منطقه پل چرخ کابل
۱۳ مارچ ۲۰۲۶ | عکس: آژانس خبری پژواک



الف. حملات هوایی

از مجموع حملات مستند شده، که توسط نیروهای نظامی پاکستان در فاصله زمانی دسامبر ۲۰۲۴ تا جون ۲۰۲۶ صورت گرفته، ۱۹ مورد که حدود ۳۸ درصد از مجموع ۵۰ حمله می‌شود، شامل حملات هوایی بوده است. این حملات عمدتاً با استفاده از جنگنده‌ها و پهپادهای مسلح انجام شده است که از این میان، ۷ حمله در ولسوالی‌های برمل، خمکنی، نعمت آباد و مرغه ولایت پکتیکا، ۵ حمله در ولسوالی‌های سپیره، گریز، مندوزی و علی شیر ر ولایت خوست، ۲ حمله در ولسوالی‌های شینواری و بهسود ولایت ننگرهار، ۲ حمله در ولسوالی خمکنی ولایت پکتیا، ۱ حمله در ولسوالی تخته پل ولایت قندهار، ۱ حمله بر ولسوالی بهرامچه ولایت هلمند و ۱ حمله دیگر در شهر کابل صورت گرفته است.

ب. حملات زمینی / راکتی

بر بنیاد یافته‌های این گزارش، ۲۸ حمله که حدود ۵۶ درصد از مجموع حملات نظامی پاکستان طی این مدت می‌شود، شامل حملات زمینی و راکتی بوده است. این حملات از مواضع مرزی نیروهای نظامی پاکستان با استفاده از راکت، موشک، هاوان و سایر ابزارها و مهمات جنگی انجام شده است. از این میان، ۱۳ حمله بر ولسوالی‌های نری، سرکانو، خاص کنر و شهر اسعد آباد ولایت کنر، ۹ حمله بر ولسوالی‌های علی‌شر، خاخی‌میدان، گریز و سپیره ولایت خوست، ۲ مورد در ولسوالی دندی‌پتان ولایت پکتیا، ۲ حمله بر ولسوالی مومند دره ولایت ننگرهار، ۱ حمله بر ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار و ۱ حمله بر ولسوالی کامدیش ولایت نورستان انجام شده است.

ج. حملات ترکیبی

شواهد بدست آمده نشان می‌دهد که ۳ مورد که حدود ۶ درصد از مجموع حملات نظامی پاکستان طی این مدت می‌شود، ترکیبی از حملات هوایی و زمینی به صورت هم‌زمان یا پی‌درپی در شهر اسعد آباد و ولسوالی سرکانو ولایت کنر و ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار انجام شده است. در این رویدادها ابتدا حملات زمینی با استفاده از راکت و هاوان آغاز شده و سپس هم‌زمان با تلاش غیر نظامیان برای پناه بردن به مناطق امن، با حملات هوایی ادامه یافته است.

د. زمان انجام حملات

بررسی رویدادهای مستند شده نشان می‌دهد که ۳۱ مورد از مجموع حملات نیروهای نظامی پاکستان در ساعات اولیه صبح یا نیمه‌های شب، زمانی که باشندگان محل در خانه‌های خود حضور داشته و یا در خواب بوده‌اند، انجام شده است. علاوه بر این، در دست کم ۴ مورد در فاصله زمانی کوتاه یک منطقه بیش از یک بار هدف حمله قرار گرفته است. در شماری از این موارد، پس از حمله اولیه، حملات بعدی در حالی انجام شده که غیر نظامیان در تلاش برای ترک محل یا انتقال مجروحان بوده‌اند.

یک مصاحبه شونده از ولایت قندهار در این باره چنین روایت کرده است:

«زمانی که جنگ شروع شد، مردم وحشت زده شدند و خانه‌های خود را به قصد پناه بردن به دامنه کوه‌ها، ترک کردند. در جریان فرار و خارج شدن از محل بودند که حملات بعدی آغاز شد و در نتیجه شمار زیادی از آن‌ها جان باختند یا زخمی شدند.»^{۱۰}

ه. هشدار قبلی

شواهد و اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که در بخش قابل توجهی از موارد، پیش از آغاز عملیات هیچ‌گونه هشدار قبلی یا اطلاع‌رسانی مؤثر به باشندگان محل و غیرنظامیان صورت نگرفته است. چنان‌که ۲۱ نفر از مجموع مصاحبه‌شوندگان این تحقیق گفته‌اند که قبل از وقوع حملات، هیچ‌نوع هشدار یا معلوماتی دریافت نکرده بودند و به همین دلیل غیرنظامیان فرصت کافی برای ترک محل یا پناه گرفتن در مکان امن را نداشته‌اند. تنها یک مصاحبه‌شونده که کارگر روز مزد یک اداره دولتی بوده گفته است که پیش از وقوع حمله و هم‌زمان با مشاهده شدن طیاره‌های جنگی پاکستان از طریق مسئولان هشدار دریافت کرده بود.

یک مصاحبه‌شونده گفته است:

«هیچ نشانه‌ای از جنگ یا درگیری وجود نداشت و هرگز تصور نمی‌کردم، خانه‌ام هدف بمباران قرار گیرد. در نزدیکی محل زندگی ما نیز کدام مرکز یا موضع نظامی وجود نداشت. ما مردم عادی هستیم و هیچ وابستگی به گروه‌های سیاسی یا نظامی نداشته‌ایم. تمام عمرم کارگری و مزدوری کرده‌ام تا بتوانم برای خانواده‌ام لقمه نانی فراهم کنم.»^{۱۱}

همین‌طور مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است:

«هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی صورت نگرفته بود که کجا را مورد حمله قرار می‌دهند. زمانی که جنگ شروع شد، مردم ترسیدند و به هر طرف فرار کردند.»^{۱۲}

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفته است:

«ما هرگز وقوع چنین حملاتی را پیش‌بینی نمی‌کردیم، کاملاً ناگهانی و غافل‌گیرکننده بود. مصروف مالدار بودیم که یک دفعه حمله شروع شد، اصلاً فکرش را نمی‌کردیم، چون قبلاً هم در روستای ما چنین رویدادی اتفاق نیافتاده بود و این اولین واقعه بود که متأسفانه خسارات سنگینی به همراه داشت.»^{۱۳}

با توجه به آن‌چه مطرح شد، نیروهای نظامی پاکستان اقدامات و تدابیر احتیاطی را برای حمایت از غیرنظامیان که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از مکلفیت‌های اساسی تمامی طرف‌های خاصه می‌باشد^{۱۴}، اتخاذ نکرده و چنان‌که در بخش‌های بعدی این گزارش بررسی خواهد شد، این مسأله به افزایش تلفات غیرنظامیان منجر شده است.

و. فاصله محل حملات با مراکز و تأسیسات نظامی

اطلاعات جمع‌آوری شده از مصاحبه‌شوندگان و سایر منابع محلی نشان می‌دهد که در بسیاری موارد محل اصابت حملات نظامی پاکستان در فاصله قابل توجهی از هرگونه تأسیسات یا مواضع نظامی قرار داشته است. چنان‌که ۱۷ نفر از مجموع مصاحبه‌شوندگان این تحقیق اظهار داشته‌اند که در نزدیکی محل اصابت حملات، تأسیسات و مراکز نظامی شناخته شده وجود نداشته است.

11. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۵، ۱۷ می ۲۰۲۶.

12. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۹، ۷ می ۲۰۲۶.

13. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۹، ۱۱ می ۲۰۲۶.

14. (ICRC, Customary International Humanitarian Law, Rule 20; Additional Protocol I, article, 57(2)(c)).

یک تن از مصاحبه‌شوندگان که در جریان یک حمله نیروهای نظامی پاکستان خانه‌اش تخریب شده در این مورد چنین روایت کرده است:

«تنها در ۵ کیلومتری خانه ما یک پوسه نیروهای سرحدی طالبان قرار دارد که در تمام این مدت حتی یک فیر هم بالای آن صورت نگرفته است اما نیروهای نظامی پاکستان خانه من را بمباران کردند.»^{۱۵}

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«پوسه‌های نظامی پاکستان حدود دو تا دو نیم کیلومتر و تأسیسات نظامی و پوسه‌های امنیتی طالبان نیز حدود نیم ساعت پیاده روی از روستای ما فاصله دارند. اما پاکستان بر منطقه و روستای ما حمله کردند.»^{۱۶}

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته است:

«پوسه نظامی طالبان حدود یک کیلومتر از محل زندگی ما فاصله داشت و در مسیر کاملاً متفاوتی قرار گرفته بود، اما راکت‌های شلیک شده از سوی نیروهای نظامی پاکستان به خانه‌های مردم ملکی اصابت کردند. تا جایی‌یکه من مشاهده کردم این حملات به پوسه‌های طالبان آسیبی وارد نکرده و تنها خانه‌های غیر نظامیان هدف قرار گرفته است. حملات به گونه‌ای انجام شد که گویا مستقیماً مردم غیر نظامی را هدف قرار داده باشند.»^{۱۷}

همین‌طور مصاحبه‌شونده دیگر معلومات داده است:

«نزدیک‌ترین پوسه طالبان حدود ۲ کیلومتر از روستای ما فاصله دارد. پوسه‌های حکومت پاکستان در بالای کوه‌ها هستند و روستاها زیر همین کوه‌ها قرار دارند. آن‌ها توپ‌ها و هاوان را بدون هدف و تفکیک پرتاب می‌کردند که بیشترشان بالا خانه‌های مردم و باشندگان همین روستاها اصابت می‌کرد. در آن‌جا مردم ملکی به شمول زنان و کودکان آسیب دیدند.... نیروهای پاکستان و طالبان گاهی بر پوسه‌های یک دیگر نیز حمله می‌کردند؛ اما ما از هیچ کسی نشنیدیم که در این حملات به طالبان آسیبی رسیده باشد.»^{۱۸}

علاوه بر این، بررسی تصاویر و ویدیوها و دیگر شواهد دیجیتالی نیز نشان می‌دهد که در بسیاری این محلات هیچ هدف نظامی آشکار و قابل مشاهده وجود نداشته است. این یافته‌ها در واقع روایت‌های از مصاحبه‌شوندگانی را تأیید می‌کند که گفته‌اند حملات پاکستان به خانه‌های مسکونی و سایر اموال غیر نظامی اصابت نموده و هیچ آسیبی به مواضع نظامی طالبان وارد نکرده است.

یک مصاحبه‌شونده در این مورد گفته است:

«محل زندگی ما در موقعیت حساسی قرار دارد و حدود حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ متر با مرز پاکستان فاصله دارد. به همین دلیل چند راکت پاکستان بر خانه و حویلی من اصابت کرده است.»^{۱۹}

15. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۲۷ اپریل ۲۰۲۶.

16. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، ۹ می ۲۰۲۶.

17. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، ۶ جون ۲۰۲۶.

18. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۵ جولای ۲۰۲۶.

19. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۹، ۷ می ۲۰۲۶.

جزئیات تلفات غیر نظامیان

حمایت از غیر نظامیان چنان‌که قبلاً نیز اشاره شد، یکی از اهداف اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و از نتایج مستقیم اصل تفکیک به شمار می‌رود. بر اساس این اصل، اشخاص غیر نظامی و اموال غیر نظامی از حمایت عمومی در برابر مخاصمات مسلحانه برخوردارند و تا زمانی‌که مستقیماً در مخاصمات مسلحانه مشارکت نکنند، این حمایت هم‌چنان ادامه دارد و نباید هدف حمله قرار گیرند. این قاعده امروزه بخشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی محسوب می‌شود و برای تمامی دولت‌ها و طرف‌های مخاصمه صرف‌نظر از عضویت یا عدم عضویت در پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو، الزام‌آور می‌باشند.^{۲۰}

ICRC, Customary International Humanitarian Law, Rules 1 and 6. 20



حمله هوایی پاکستان در منطقه گردی کج ولسوالی بهسود، ولایت ننگرهار

۲۲ فیبروری ۲۰۲۶ | عکس: آژانس خبری پژواک

بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول مقرر می‌دارد که: جمعیت غیر نظامی و افراد غیر نظامی نباید هدف حمله قرار گیرند. اعمال یا تهدید به خشونت‌ی که هدف اصلی آن ایجاد رعب و وحشت در میان جمعیت غیر نظامی باشد، ممنوع است.^{۲۱} منظور از غیر نظامیان تمامی افرادی هستند که عضو نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح سازمان یافته یک طرف مخاصمه نباشد. هم‌چنین افرادی که به دلیل مجروحیت، بیماری، تسلیم یا اسارت دیگر توانایی شرکت در جنگ را ندارند نیز از حمایت مطلق برخوردار بوده و حمله به آن‌ها ممنوع است. علاوه بر این، در صورت هرگونه تردید در مورد وضعیت نظامی یا غیر نظامی بودن یک فرد، فرض بر غیر نظامی بودن وی می‌باشد و باید به عنوان غیر نظامی با او رفتار شود.^{۲۲}

با این وجود، بر اساس شواهد و اطلاعات گردآوری شده، در فاصله زمانی دسامبر ۲۰۲۴ تا جون ۲۰۲۶ دست‌کم ۱۱۸۷ نفر از غیر نظامیان در نتیجه حملات نیروهای نظامی پاکستان در ولایت‌های پکتیا، پکتیکا، خوست، نورستان، کنر، ننگرهار، قندهار، هلمند و کابل کشته و زخمی شده‌اند که از این میان ۴۷۲ غیر نظامی جان باخته و ۷۱۵ نفر دیگر زخمی شده‌اند. کشته شده‌ها شامل ۳۴۲ مرد، ۸۶ کودک و ۴۴ زن و زخمی‌ها شامل ۴۶۰ مرد، ۱۳۰ کودک و ۱۲۵ زن می‌باشند.



هیأت معاونت سازمان ملل متحد در گزارشی اعلام کرده است که در فاصله زمانی ۱ جنوری و ۳۱ مارچ ۲۰۲۶، بیش از ۷۵۰ مورد کشته و زخمی شدن غیر نظامیان در افغانستان را که در نتیجه خشونت‌های مسلحانه فرامرزی میان نیروهای امنیتی حکومت سرپرست افغانستان و نیروهای نظامی پاکستان رخ داده، مستندسازی کرده است. بر اساس این گزارش، بخش عمده این تلفات غیر نظامیان، در نتیجه حملات هوایی انجام شده در ماه‌های فبروری و مارچ به‌وقوع پیوسته است.^{۲۳}

یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که شماری از قربانیان در اثر اصابت پارچه‌های مهمات، آتش‌سوزی و انفجار ناشی از حملات و تعدادی نیز در نتیجه فروریختن خانه‌های مسکونی یا سایر ساختمان‌ها، جان باخته یا مجروح شده‌اند. هم‌چنین، در برخی از رویدادها غیر نظامیان هنگام تلاش برای فرار از محل، انتقال مجروحان یا دفن قربانیان حملات پیشین، هدف حملات بعدی قرار گرفته و کشته یا زخمی شده‌اند.

از سوی دیگر، بررسی اطلاعات و شواهد گردآوری شده نشان می‌دهد که مجروحان عمدتاً دچار قطع عضو، پارگی بدن، سوختگی، شکستگی دست‌ها، پاها و استخوان‌ها، از دست دادن شنوایی و معلولیت‌های دائمی شده‌اند. نوع و شدت جراحات با توجه به نوع حمله، محل اصابت و فاصله قربانیان با محل انفجار متفاوت بوده است.

21. پروتکل الحاقی اول، بند ۲ ماده ۵۱.

22. ICRC, Customary International Humanitarian Law, Rules 3, 5, 6 and 47; Additional Protocol I, Article 50(1), 51(2)-(3) and 52.

23. United Nations, Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA), Cross-border civilian casualties in Afghanistan: January– March 2026 (May 2026), p. 2, <https://unama.unmissions.org/sites/default/files/2026-05-26.pdf/05-default/files/2026-05-26.pdf>

الف) تلفات انسانی ناشی از حملات هوایی

بر بنیاد اطلاعات بدست آمده، در نتیجه حملات هوایی نیروهای نظامی پاکستان، دست کم ۶۹۴ نفر از غیر نظامیان در ولایت های خوست، کنر، پکتیکا، پکتیا، قندهار، هلمند، ننگرهار و کابل کشته و زخمی شده اند. از میان قربانیان این حملات، ۵۳۳ مرد، ۴۸ زن و ۱۱۳ کودک بوده اند.

در ادامه، نمونه هایی از حملات هوایی علیه غیر نظامیان که در دوره مورد بررسی این گزارش توسط نیروهای نظامی پاکستان انجام شده، توضیح داده می شود. این موارد به دلیل اهمیت و گستردگی پیامدهای انسانی آنها انتخاب شده و بیانگر تمامی رویدادهای مستند شده نمی باشند.

حمله هوایی بر یک کمپ درمان و بازپروری معتادان در شهر کابل

کمپ امید در حومه شرقی شهر کابل موقعیت دارد که در سال های پایانی حکومت جمهوری اسلامی افغانستان به عنوان مرکز نگهداری و بازپروری معتادان به مواد مخدر ایجاد شد. در این دوره، بیماران پس از طی مراحل درمان در شفاخانه یک هزار بستر این سینا، برای ادامه برنامه های بازپروری و آموزش حرفه به کمپ امید منتقل می شدند. در سال های اخیر، این مرکز عمدتاً به عنوان مرکز نگهداری موقت برای بیماران ترخیص شده از شفاخانه درمان اعتیاد این سینا، مورد استفاده قرار می گرفت و ظرفیت پذیرش هم زمان دو هزار نفر را داشت.

در تاریخ ۱۶ مارچ ۲۰۲۶ حوالی ساعت ۹ بجه شب، نیروی هوایی پاکستان این کمپ را هدف حملات هوایی قرار داد که بر اساس اطلاعات تأیید شده تا زمان تهیه این گزارش، دست کم ۲۰۴ مرد در این حملات کشته و ۹۶ نفر دیگر به شمول یک زن زخمی شدند. قربانیان عمدتاً بیماران، مراجعین و کارکنان این مرکز بودند. آمار قربانیان و مجروحان همراه با شهرت و مشخصات دقیق آنها از ده شفاخانه به شمول طب عدلی در شهر کابل بدست آمده است.

با این حال، به دلیل شدت حمله، گستردگی انفجارها و مفقود بودن شماری از افراد، آمار نهایی قربانیان تا کنون مشخص نشده است. اما شواهد بدست آمده نشان می دهد که هنگام حمله بیش از ۱۳۰۰ بیمار در این مرکز تحت تدای قرار داشته و ۳۵ کارمند مصروف کار بوده اند.

هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) اعلام کرد که بر اساس نتایج بازدید آنها از محل و گفت و گو با شاهدان عینی، سه حمله بر این مرکز صورت گرفته و دست کم ۲۶۹ مرد کشته و ۱۲۲ نفر دیگر به شمول یک زن زخمی شدند. بر بنیاد یافته های یوناما، اکثریت قریب به اتفاق کشته شدگان و مجروحان، از بیماران این شفاخانه بوده اند.^{۲۴} همین طور، سازمان دیده بان حقوق بشر، با استناد به گزارش نهادهای بین المللی گفته است که در این رویداد دست کم ۱۴۳ نفر کشته و بیش از ۲۵۰ نفر دیگر زخمی شدند.^{۲۵}

یک تن از کارمندان این مرکز به رواداری گفته است:

«یک بمب در بخش اداری کمپ که در کانتینرها موقعیت داشت و یک بمب دیگر در سالن نوجوانان اصابت کرد... در این حمله تعدادی زیادی از نوجوانان کشته شدند، کف سالن از خون پوشیده شده بود به گونه ای که روی آن می لغزیدیم و به سختی می توانستیم راه برویم. بمب سوم نیز به سالنی اصابت کرده بود که برای بیماران بالاتر از ۲۵ سال اختصاص یافته بود.»^{۲۶}

English%20-%20UNAMA%20/05-UNAMA, Cross-border civilian casualties in Afghanistan: January- March 2026 (May 2026), p. 5, https://unama.unmissions.org/sites/default/files/2026_HRS%20paper%20on%20cross-border%20civilian%20casualties%20-%20Jan-Mar%202026_Updated_11.05.26.pdf 24

pakistan-airstrike-on-afghan-medical-facility-unlawful/27/03/Human Rights Watch, Pakistan: Airstrike on Afghan Medical Facility Unlawful, (2026), <https://www.hrw.org/news/2026> 25

رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۲، ۲۰ جون ۲۰۲۶. 26

با این حال، به دلیل شدت حمله، گستردگی انفجارها و مفقود بودن شماری از افراد، آمار نهایی قربانیان تا کنون مشخص نشده است. اما شواهد بدست آمده نشان می دهد که هنگام حمله بیش از ۱۳۰۰ بیمار در این مرکز تحت مداوی قرار داشته و ۳۵ کارمند مصروف کار بوده اند.

موترامداد رسانی در کمپ درمان و بازپروری معتادان، بعد از حمله هوایی پاکستان

۱۷ مارچ ۲۰۲۶ | عکس: dpa picture alliance / Alamy



هم‌چنین، کارمند دیگر این مرکز در گفت‌وگو با رواداری در مورد ابعاد این حمله و شمار قربانیان آن چنین روایت کرده است:

«فردای حمله به کمپ رفتم. زمانی که به محل رسیدم زخمی‌ها را قبلاً به شفاخانه‌ها انتقال داده بودند، اما اجساد قربانیان هنوز در محل قرار داشت و نیروهای امدادی هم‌چنان اجساد را از زیر آوارها بیرون می‌کشیدند. ماشین‌آلات سنگین برای برداشتن دیوارها و سقف‌های فرو ریخته و بیرون کشیدن قربانیان، به محل آورده شده بود. یکی از بمب‌ها به بخش خیاط‌خانه و محل نگهداری تیل جنراتور اصابت کرده بود. در آن بخش جوانان تحت درمان نگهداری می‌شدند که حدود ۱۲۵ نفر آن‌ها بر اثر آتش‌سوزی ناشی از انفجار به گونه کامل سوخته بودند که بعداً اجسادشان را از زیر آوار بیرون کشیدند. من با یکی از کارمندان طب عدلی صحبت کردم. او گفت که از میان ۱۲۵ جنازه فقط ۸ نفر شناسایی شدند و هویت سایر قربانیان به دلیل شدت سوختگی قابل تشخیص نبوده است.»^{۲۷}

مصاحبه‌شونده دیگر که یک عضو خانواده‌اش در این حمله کشته شده، چنین روایت کرده است:

«برادرزاده ام در شفاخانه امید برای مداوی بستر شده بود. ساعت ۱۰ بجه شب ۲۷ ماه رمضان برادرم از روستا برایم زنگ زد و گفت که شفاخانه را بمباران کرده و تلفن پسر من کار نمی‌کند. در سحری برادرم به خانه من آمد و هردو به طرف شفاخانه رفتیم. شفاخانه‌های متعددی را گشتیم و تعداد زیادی از اجساد را دیدیم که در وضعیت بسیار وحشتناکی قرار داشتند، تعدادی دست نداشتند و تعدادی سرهای شان جدا شده بود. در شفاخانه ۴۰۰ بستر ۴۰ نفر را دیدیم که در نتیجه این حمله زخمی و بستری شده بود... بالاخره به ما گفتند طب عدلی برویم. وقتی به طب عدلی رفتیم، وضعیت بسیار بدتر بود، دهلیزها را خون گرفته بود، هر طرف اجساد قربانیان به چشم می‌خورد. اجساد را در دهلیزها و راهروها داخل خریطه‌های پلاستیکی انداخته بودند، وضعیت بسیار ترسناکی بود. در همان جا جسد برادرزاده‌ام را پیدا کردیم. یک ترکش در قلبش خورده بود و از پشت سر برآمده بود. او جسد شماره ۱۰۵ بود به این معنا که ۱۰۴ نفر دیگر قبل از او شامل لیست کشته شده‌ها شده بود.»^{۲۸}

وزارت اطلاعات پاکستان بعداً اعلام کرد که نیروهای هوایی این کشور، با دقت، هدف‌گیری مشخص و به‌صورت حرفه‌ای عملیاتی را علیه تأسیسات نظامی و زیرساخت‌های پشتیبانی تروریستی انجام داده‌اند. به گفته این وزارت، اهداف این عملیات شامل زیرساخت‌های فنی و انبارهای مهمات در دو نقطه از شهر کابل بوده و حملات به گونه‌ای طراحی و اجرا شده است که از وارد شدن خسارت جانبی به غیر نظامیان جلوگیری شود. بر اساس اظهارات وزیر اطلاعات پاکستان، انفجارهای ثانویه پس از حملات نشانه‌ای از وجود انبارهای بزرگ مهمات در محل بوده و آن‌ها مرکز درمان و بازپروری معتادان را هدف قرار نداده‌اند.^{۲۹}

با این، وجود اما یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که حمله بر سه نقطه مشخص کمپ درمان و بازپروری معتادان امید صورت گرفته و تمامی افراد حاضر در این کمپ را بیماران مبتلا به مواد مخدر و کارکنان غیر نظامی این مرکز تشکیل می‌دادند. علاوه بر این، هیچ‌گونه اسناد و شواهدی مبنی بر استفاده نظامی از این مرکز یا وجود انبارهای مهمات بدست نیامده است. از این رو، حمله هوایی پاکستان بر این کمپ که محل درمان و بازپروری معتادان بوده است، مصداق صریح نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده و می‌تواند جنایت جنگی تلقی شود.^{۳۰}

27. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۴، ۳ جون ۲۰۲۴.

28. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۲۰، ۲ جون ۲۰۲۴.

29. <https://www.aljazeera.com/news/2026/pakistan-denies-hospital-strike-in-17/3/> Al Jazeera, Pakistan denies hospital strike in Afghanistan as death toll hits 400, (17 March 2026).

[afghanistan-as-death-toll-hits-400](#)

30. Geneva Convention (IV), Articles 18 and 19; Rome Statute of the International Criminal Court, Article 8(2)(b)(i), (ii) and (ix).

حملات هوایی بر ولسوالی برمل ولایت پکتیکا

در تاریخ ۲۴ دسامبر ۲۰۲۴ جنگنده‌های نیروهای نظامی پاکستان در ساعات اولیه صبح، روستاهای شین‌سترگه، سورزغمی، الماستی و مرغی در ولسوالی برمل ولایت پکتیکا را هدف حملات هوایی متعدد قرار دادند. اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که در نتیجه این حملات دست‌کم ۵۱ غیرنظامی، از جمله زنان و کودکان کشته و ۸ تن دیگر زخمی شدند. صندوق بین‌المللی سازمان ملل متحد برای کودکان (یونیسف) نیز در گزارشی کشته شدن ۲۰ کودک در این رویداد را تأیید کرده است.^{۳۱}

حکومت پاکستان اجرای این عملیات را تأیید و اعلام کرد که این حمله بر اساس اطلاعات استخباراتی و در راستای مبارزه با گروه‌های تروریستی، به‌ویژه اعضای تحریک طالبان پاکستان (TTP) انجام شده است.^{۳۲}

با این وجود، اما شواهد و اطلاعات گردآوری‌شده در جریان این تحقیق، از جمله مصاحبه‌ها، اسناد و سایر شواهد تکمیلی نشان می‌دهد که قربانیان این حملات عمدتاً غیرنظامیان بوده‌اند که هیچ‌نوع شواهدی مبنی بر ارتباط آن‌ها با تحریک طالبان پاکستانی بدست نیامده است.

در یکی از این حملات ۱۵ عضو یک خانواده کشته شدند که یک‌تن از شاهدان عینی درباره جزئیات آن چنین روایت کرده است:

«وقتی نیروهای هوایی پاکستان روستای ما را هدف حمله قرار دادند، چوکی‌دار محل با بلندگوی دستی از مردم خواست تا در بیرون کشیدن اعضای یک خانواده که زیر آوار مانده بودند، کمک کنند. من با عجله خود را رساندم، در آن خانه ۱۶ نفر زندگی می‌کردند که تنها یک کودک ۷ ساله را زنده از زیر آوار بیرون کشیدیم. بقیه اعضای خانواده همه جان‌باخته بودند. من با دستان خودم اجساد ۱۵ عضو این خانواده را بیرون کشیدم، خانه کاملاً ویران شده بود و در هر طرف توشک‌ها و کمپل‌های سوخته و خاک‌آلود و کتاب‌های پاره پاره کودکان مکتب دیده می‌شد. من این خانواده را از سال‌ها پیش می‌شناختم، آن‌ها هیچ ارتباطی با حکومت یا کدام گروه مسلح نداشت و نه هم کدام مرکز نظامی در نزدیک خانه آن‌ها وجود داشت.»^{۳۳}

مصاحبه‌شونده دیگر و از بستگان نزدیک این خانواده، در گفتگو با رواداری اظهار داشت:

«صدای هواپیما و سپس یک انفجار وحشتناک را شنیدم، فوراً از خانه بیرون رفتم و متوجه شدم که خانه برادرم در دود و غبار پنهان شده است. با صدای بلند فریاد زدم و از مردم کمک خواستم، صدای گریه و ناله قربانیان را می‌شنیدم که زیر آوار شده بودند. وقتی آن‌ها را بیرون کشیدیم همه جان‌باخته بودند. هیچ زخم یا جراحاتی بر بدن آن‌ها دیده نمی‌شد، همه بر اثر فروریختن سقف و دیوار خانه و خفگی در زیر آوار جان داده بودند. در خانه همسایه ما نیز یک بمب اصابت کرده بود. شدت انفجار به اندازه‌ای بود که زن همسایه و کودک‌اش از داخل خانه به بیرون پرتاب شده بودند. شکم آن زن نبود و چهره‌اش قابل شناسایی نبود. کودک نیز یک پای خود را از دست داده بود، اما هنوز نفس می‌کشید. فوراً او را با موتر به کلینک محل انتقال دادیم اما داکتر پس از معاینه اعلام کرد که او جان‌باخته است.»^{۳۴}

31 1158551/12/UN, World News in Brief, (26 December 2024). <https://news.un.org/en/story/2024>.

32 Dawn, Pakistan conducted anti-terrorist operation in border areas based on security threats: FO (26 December 2024). <https://www.dawn.com/news/1881200>.

33 .رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۵، ۱۶ مارچ ۲۰۲۴.

34 .رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۱، ۱۹ مارچ ۲۰۲۴.

در یک رویداد دیگر در تاریخ ۲۷ فیبروری ۲۰۲۶ حوالی ساعت دو بجه شب پس از یک درگیری مسلحانه میان نیروهای افغانستان و پاکستان در امتداد خط دیورند در ولسوالی برمل ولایت پکتیکا، نیروهای هوایی و توپخانه‌ای پاکستان روستاهای ابراهیم خیل، لوردنگر و والگد این ولسوالی را مورد حملات متعدد قرار دادند. اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که در جریان این حملات سه خانه مسکونی متعلق به غیر نظامیان هدف قرار گرفت که در نتیجه، ۲۱ غیر نظامی شامل ۱۲ مرد، ۷ زن و ۲ کودک کشته و ۳ تن دیگر زخمی شدند.

یک باشنده روستای لوردنگر که در این حمله ۱۴ عضو خانواده خود را از دست و یک عضو دیگر خانواده‌اش زخمی شده، در گفت‌وگو با رواداری اظهار داشت:

«ماه رمضان بود و جنگ شدید در امتداد خط دیورند ادامه داشت. طیاره‌های بی‌سرنشین در آسمان گشت می‌زدند و من از ترس بمباران تمام اعضای خانواده را به زمین‌های زراعتی نزدیک خانه منتقل کردم تا آن‌جا در امان باشند. تنها خودم و یک خواهر زاده‌ام در خانه ماندیم. حوالی دونیم بجه شب روستا آرام شد و ما فکر کردیم جنگ خاتمه یافته است. اعضای خانواده که در زمین‌های زراعتی پناه برده بودند، برای صرف سحری به خانه آمدند. همه در حال صرف سحری بودیم که صدای انفجارها دوباره بلند شد. نگران شدم و به پسر کاکایم که کنارم نشسته بود، گفتم تمام زنان و کودکان را به زیر زمینی خانه منتقل کند. خودم از دروازه پشت سر خانه بیرون رفتم تا ببینم حمله در کجا صورت گرفته است. در همان لحظه متوجه گشت یک طیاره بی‌سرنشین پاکستانی شدم و ناگهان انفجار بزرگی رخ داد. تمام خانه در میان دود و خاک پنهان شد... ما همه مردم غیر نظامی و بی‌غرض بودیم. آن‌جا نه طالبان بودند و نه کدام فرد مسلح دیگر. ما مردم غریب و دهقان هستیم که هیچ رابطه‌ای با طالبان نداریم. آن‌ها خود می‌دیدند که زنان و کودکان به زیرزمینی خانه رفتند، اما بازهم حمله کردند و تمام اعضای خانواده‌ام را کشتند، ما چه گناهی داشتیم؟ چه کسی فریاد ما را می‌شنود؟ حقوق بشر کجاست؟ به کی شکایت کنیم؟ چه کسی اعضای خانواده‌ام را به من باز می‌گرداند؟ پاکستان می‌گوید ما دهشت‌گران را کشته‌ایم، آیا زنان و کودکان دهشت‌گره‌ستند؟ سال گذشته ۱۳ تن از اقارب و دوستانم را در زلزله از دست دادم و امسال نیز ۱۴ عضو خانواده‌ام در حمله پاکستان کشته شدند. تقریباً تمام اعضای خانواده و نزدیکانم را از دست داده‌ام.»^{۳۵}

حملات هوایی بر ولسوالی گربز ولایت خوست

در ۲۵ نوامبر ۲۰۲۵ حوالی ساعت ۱۲ بجه شب، یک فروند هواپیمای نظامی منتسب به نیروهای پاکستانی، در روستای مغولگی ولسوالی گربز ولایت خوست، یک خانه مسکونی را که دو برادر و خانواده‌های آنان در آن زندگی می‌کردند، مورد بمباران قرار داد. در نتیجه این حمله تمامی اعضای یکی از این دو خانواده کشته شدند. در میان کشته شدگان، ۹ کودک و یک زن شامل بوده و ۲ عضو خانواده دومی نیز کشته و ۳ عضو دیگر آن زخمی شدند.

با این وجود، سخنگوی ارتش پاکستان هرگونه دخالت در این حمله را قاطعانه رد نموده و اظهار داشت که ارتش این کشور هیچ عملیاتی نظامی در داخل افغانستان انجام نداده است. بر اساس اظهارات این مقام پاکستانی، نیروهای آن‌ها غیر نظامیان را هدف قرار نمی‌دهد و هرگونه عملیات نظامی خود را به صورت رسمی اعلام می‌کنند.^{۳۶}

35 - رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۲، ۲۰ می ۲۰۲۶.

Dawn, DG ISPR Refutes allegation by Afghan Taliban of Pakistan airstrikes in Afghanistan: State media, (25 November 2025), dawn.com/news/1957285. 36

یک باشنده محل در گفت‌وگو با رواداری در توصیف این رویداد گفته است که:

«وقتی صدای انفجار را شنیدیم از دور ناله و فریاد کودکان به گوش می‌رسید. همه اهالی روستا در حالت سراسیمه‌گی و وحشت قرار داشتند. وقتی به محل رویداد رسیدیم خانه با خاک یک‌سان شده بود و در میان دود و باروت اجساد کشته‌شدگان به درستی قابل تفکیک نبودند.»^{۳۷}

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفته است:

«دقیقا گفته نمی‌توانیم که چند حمله صورت گرفت، چون تعداد شان خیلی زیاد بود. مردم همه آواره شدند. کسانی که موثر داشتند، زودتر محل را ترک کردند و کسانی که نداشتند، پیاده با زنان، کودکان و مواسی خود از آن‌جا فرار کردند. مردم خیلی غریب و نادار هم بودند که اصلا نمی‌فهمیدند چه کار کنند و به کجا بروند. شب و هوا خیلی سرد بود...»^{۳۸}

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از قربانیان این رویداد در اثر اصابت ترکش‌های ناشی از انفجار و فرو ریختن سقف و دیوارهای خانه کشته یا مجروح شده‌اند. به گفته شاهدان عینی، حمله در حالی صورت گرفت که باشندگان محل خواب بودند و به همین دلیل فرصتی برای فرار نداشتند.

یک تن از کارکنان صحنه در گفت‌وگو با رواداری گفته است:

«ساعت از دو شب گذشته بود که با زنگ تلفن همکاران کلینیک از خواب بیدار شدم. فوراً تیم صحنه و آمبولانس را به محل حمله فرستادم و خودم نیز به طرف کلینیک حرکت کردم. حوالی ساعت سه شب اجساد ۱۰ قربانی به شمول ۹ کودک از جمله یک کودک یک ماهه که در کمپل پیچیده شده بود، به کلینیک منتقل شدند. سه نفر دیگر که به شدت زخمی شده بودند تحت مراقبت‌های عاجل صحنه قرار گرفتند و سپس برای ادامه درمان به شفاخانه مرکزی ولایت خوست انتقال داده شدند. اجساد قربانیان نیز بعداً در روستای محل سکونت شان به خاک سپرده شدند.»^{۳۹}

سرپرست این خانواده که هنگام وقوع حمله برای کار در خارج از کشور به سر می‌برد و در این رویداد همسر و تمامی فرزندان خود را از دست داده، در مصاحبه با رواداری، چنین روایت کرده است:

«گفتن این ماجرا برایم خیلی سخت است و نمی‌توانم دردی را که تحمل می‌کنم به زبان بیاورم. شب کار کرده بودم و صبح به اتاق برگشتم که یکی از هم‌ولایتی‌هایم که او نیز در همان جا کارگری می‌کند، با من تماس گرفت و گفت می‌خواهد مرا ببیند. چند دقیقه بعد دوباره زنگ زد و گفت در بیرون اتاق منتظرم است. وقتی بیرون رفتم، دیدم پنج نفر دیگر از روستا از جمله پسر کاکایم را نیز با خود آورده است. با دیدن آن‌ها تکان خوردم و فهمیدم حتماً اتفاقی افتاده است. با عجله پرسیدم چه شده و چرا همه شما اینجا آمده‌اید؟ گفتند مادرت فوت کرده است، من فاتحه خواندم و چون مادرم را بسیار دوست دارم به شدت اندوهگین شدم... با مشکلات پاسپورتم را از محل کار گرفتم و تکت هواپیما خریدم و خود را به خوست رساندم. ملک روستا به استقبال ما آمده بود. وقتی او را دیدم بیشتر نگران شدم و ترسیدم؛ زیرا در مسیر راه شنیده بودم که نیروهای هوایی پاکستان ولسوالی ما را بمباران کرده‌اند. به او گفتم حقیقت را بگو، گفتم از بمباران هوایی خبر دارم آیا خانه ما هم هدف قرار گرفته است؟ او این موضوع را تایید کرد. وقتی به خانه رسیدم، با چشمان خود دیدم که خانه‌ام کاملاً ویران شده و تمام زندگی‌ام از بین رفته است. همسر و هفت فرزندم کشته شده بودند. هر بار که با دخترانم تلفنی صحبت می‌کردم از من می‌پرسیدند که پدر چه وقت خانه می‌آیی؟ اما وقتی برگشتم هیچ کدام آن‌ها در این دنیا نبودند... خیلی سخت است، نمی‌دانم چگونه بگویم چه دردی را تحمل می‌کنم...»^{۴۰}

37. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۶، ۱۰ جون ۲۰۲۶.

38. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۵، ۲۱ جولای ۲۰۲۶.

39. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۵، ۲۱ جولای ۲۰۲۶.

40. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۸، ۱۳ جون ۲۰۲۶.

مصاحبه با این بازمانده به دلیل وضعیت روحی وی چندین بار متوقف شد. او در جریان گفت‌وگو بارها گریه کرد و در برخی موارد به دلیل ناراحتی عمیق ناشی از دست دادن همسر و فرزندان خود، قادر به پاسخ گفتن به پرسش‌های تکمیلی نبود.

حملات هوایی بر ولسوالی بهسود ولایت ننگرهار

در تاریخ ۲۱ فبروری ۲۰۲۶، هواپیماهای جنگی پاکستان از جمله یک خانه مسکونی در منطقه گردی کخ ولسوالی بهسود ولایت ننگرهار، را هدف حملات هوایی قرار دادند که در پی آن، ۱۵ نفر از اعضای این خانواده کشته شدند. قربانیان شامل سه مرد، هشت کودک و چهار زن می‌باشند. هم‌چنین یک عضو این خانواده زخمی شده بود که برای درمان به شفاخانه عمومی ننگرهار منتقل گردید.

سرپرست خانواده که از این حمله جان سالم بدر برده، چنین روایت کرده است:

«(ساعت حدود ۱۲ بجه شب بود و جنگنده‌ها در آسمان منطقه در حال گشت زنی بودند. ما تصور می‌کردیم این هواپیماها متعلق به افغانستان هستند. اما ناگهان انفجار بزرگی رخ داد و در نخست فکر کردم زلزله شدید اتفاق افتاده است. من با چند کودک در یکی از اتاق‌ها بودم و پس از آن که توانستم راهی برای بیرون شدن پیدا کنیم، دیدیم که تمام خانه ویرانه ویران شده و اعضای خانواده‌ام زیر آوار مانده اند. سپس اهالی روستا به محل رسیدند و در بیرون کردن اجساد و انتقال زخمی‌ها کمک کردند.»^{۴۱}

یک تن دیگر از مصاحبه شونده‌گان که در همین شب خانه‌اش دوبار در فاصله کوتاهی مورد حملات هوایی قرار گرفته چنین روایت کرده است:

«(در مهمانخانه خواب بودم، که با صدای بلند یک انفجار از تخت خواب به پائین پریدم، پایم زخمی شده بود و درد می‌کرد، گوش‌هایم کر شده بود، نمی‌دانستم چه اتفاق افتاده، از مهمان‌خانه که از خانه اصلی اندکی فاصله داشت، به سرعت بیرون شدم و طرف خانه دویدم. دود و غبار شدید همه‌جا را فرا گرفته بود. با چراغ دستی داخل خانه شدم که در آن زن و کودکانم استراحت کرده بودند. به محضی که به دروازه خانه رسیدم صدای گریه کودک خردسالم را شنیدم، مطمئن شدم که زنده است اما در همین لحظه طیاره بی‌سرنشین راکت دوم را بر خانه‌ام انداخت که بر محل نگهداری مواشی اصابت کرد. وقتی داخل خانه رفتم متوجه شدم که خانم و فرزندانم به شمول یک دختر دو ساله‌ام به شدت زخمی شده‌اند. تعدادی پاهای‌شان شکسته بود، تعدادی هم دست‌های‌شان. خانمم یک دست و استخوان‌های قبرغه‌اش شکسته بود. بدن و چهره تمام‌شان سوخته بود و پارچه‌های بمب به صورت و بدن آن‌ها اصابت کرده بود. نمی‌دانم چرا خانه من را بمباران کردند، من آدم بی‌طرف و دهقان هستم، در هیچ حکومتی کار نکرده‌ام و با هیچ حزبی رابطه ندارم.»^{۴۲}

دولت پاکستان پس از انجام این حملات، اعلام کرد که بر اساس اطلاعات استخباراتی، در عملیاتی هدفمند ۷ هفت اردوگاه و مخفیگاه تروریستی متعلق به طالبان پاکستان وابسته به «فتنه‌الخوارج (FAK)»، گروه‌های وابسته به آن و نیز شاخه خراسان داعش (ISKP) را در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان با دقت مورد هدف قرار داده است.^{۴۳}

41 - رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۶، ۹ فبروری ۲۰۲۶.

42 - رواداری، مصاحبه شونده شماره ۵، ۱۷ می ۲۰۲۶.

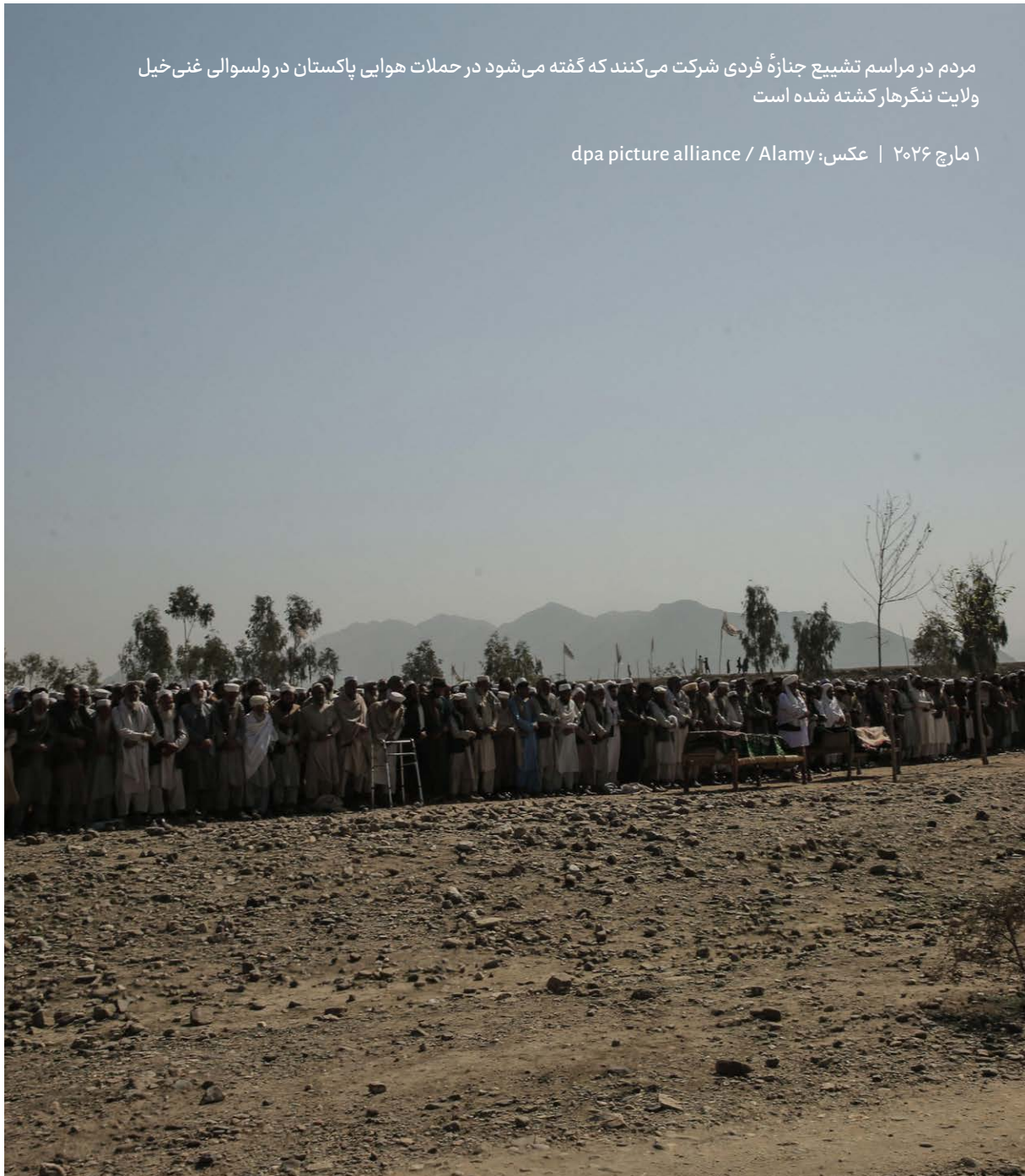
43 - Ministry of Information & Broadcasting, Press Release, (21 February 2026). https://x.com/MolB_Official/status/2025316690855354804

با این حال اما، شواهد و اطلاعات مستند شده در این بخش نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از حملات هوایی نیروهای نظامی پاکستان به خانه‌های مسکونی و سایر محلات غیر نظامی اصابت کرده و موجب کشته و زخمی شدن شمار زیادی از زنان، کودکان و سایر افراد غیر نظامی شده است. در بسیاری از رویدادهای بررسی شده، شواهدی مبنی بر وجود اهداف نظامی در محل اصابت یا مشارکت مستقیم قربانیان در مخاصمات مسلحانه وجود نداشته است.

افزون براین، حملات عمدتاً در نیمه‌های شب یا صبح و بدون هیچ‌گونه هشدار قبلی و اطلاع‌رسانی موثر انجام شده است؛ شرایطی که خطر آسیب رساندن به غیر نظامیان را به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است. این اقدامات از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه تخلف صریح به شمار می‌رود و می‌تواند مصداق جنایت جنگی قلمداد شود.^{۴۴}

مردم در مراسم تشییع جنازه فردی شرکت می‌کنند که گفته می‌شود در حملات هوایی پاکستان در ولسوالی غنی خیل ولایت ننگرهار کشته شده است

۱ مارچ ۲۰۲۶ | عکس: dpa picture alliance / Alamy



ب. حملات زمینی / راکتی

افزون بر رویدادهای پیش گفته، نیروهای نظامی پاکستان ۲۸ حمله زمینی و راکتی را علیه اهداف غیر نظامی در ولایت‌های خوست، پکتیا، پکتیکا، نورستان و قندهار انجام داده‌اند. بر اساس اطلاعات بدست آمده، دست کم ۱۳۳ نفر از غیر نظامیان شامل ۷۰ مرد، ۴۴ کودک و ۱۹ زن در نتیجه این حملات کشته و زخمی شده‌اند.

در ادامه، به جزئیات برخی از مهم‌ترین این حملات پرداخته می‌شود که در بازه زمانی دسامبر ۲۰۲۴ تا جون ۲۰۲۶ صورت گرفته و به دلیل اهمیت و گستردگی پیامدهای انسانی آن‌ها انتخاب شده‌اند.

حملات راکتی بر مرکز و ولسوالی نری ولایت کنر

از مجموع حملات زمینی که توسط نیروهای نظامی پاکستان در بازه زمانی مورد بررسی این تحقیق انجام شده است، ۱۳ مورد آن بر بخش‌هایی از ولایت کنر از جمله ولسوالی‌های نری، سرکانو، باغچه، کنر خاص و اسعدآباد این ولایت اصابت کرده که موجب کشته و زخمی شدن دست کم ۶۰ تن از غیرنظامیان شامل ۳۶ مرد، ۱۹ کودک و ۵ زن، شده است.

یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفته است:

«در تاریخ ۲۹ مارچ ۲۰۲۶ نیروهای نظامی پاکستان یک بار دیگر مناطق غیر نظامی و خانه‌های مسکونی را در شهر اسعدآباد ولایت کنر، هدف حملات موشکی قرار دادند که در نتیجه سه غیر نظامی شامل دو مرد و یک زن کشته و ۱۳ نفر دیگر از جمله ۹ کودک زخمی شدند. یکی از مجروحان که به شدت آسیب دیده بود بعد از چهار روز در حالت کما، در شفاخانه جان باخت.»^{۴۵}

هم‌چنین، مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است که:

«در آن زمان، درگیری‌های شدیدی میان نیروهای پاکستانی و نیروهای طالبان در جریان بود. طالبان بر پوسته‌های سرحدی نیروهای پاکستان حمله می‌کردند و نیروهای پاکستان مواضع و قرارگاه‌های طالبان را مورد بمباران قرار می‌دادند. هم‌زمان، از پوسته‌های سرحدی پاکستان بر روستاها و محلات مسکونی نیز موشک فیر می‌کردند که تنها در روستای دو کلام ولسوالی نری ۲۰ غیر نظامی به شمول زنان و کودکان کشته و ۳۰ نفر دیگر زخمی شدند. اکثریت این افراد در داخل خانه‌ها، حویلی‌ها، هنگام رفت و آمد و یا فرار در نتیجه اصابت موشک‌های نیروهای نظامی پاکستان کشته و یا مجروح شدند.»^{۴۶}

شواهد گردآوری شده نشان می‌دهد که حملات راکتی، توپخانه‌ای و هاوان نیروهای نظامی پاکستان به مناطق مسکونی و سایر محلات غیر نظامی اصابت کرده و موجب تلفات انسانی و خسارات گسترده شده است. با توجه به ماهیت این حملات و پراکندگی محل‌های اصابت، اقدامات پاکستان مصداق نقض اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله اصل احتیاط و اصل حفاظت از غیرنظامیان می‌باشد.

45. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۷، ۴ می ۲۰۲۶.

46. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۳، ۲۹ اپریل ۲۰۲۶.

ج. حملات هم‌زمان هوایی و زمینی بر ولایت‌های قندهار و کنر

بربنیاد یافته‌های این گزارش، سه حمله از مجموع موارد مستند شده در این گزارش، هم‌زمان به‌صورت هوایی و زمینی در ولایت‌های قندهار و کنر انجام شده است که موجب کشته و زخمی شدن دست‌کم ۳۶۰ نفر از غیرنظامیان شامل ۱۹۹ مرد، ۱۰۷ زن و ۵۴ کودک شده است.

حمله بر ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار

در ماه‌های اکتبر، نوامبر و دسامبر ۲۰۲۵ در نتیجه حملات هوایی و زمینی نیروهای نظامی پاکستان بر ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار و مناطقی از ولایت هلمند، دست‌کم ۲۴۳ غیرنظامی شامل ۱۸۱ مرد، ۴۱ زن و ۲۱ کودک کشته و زخمی شدند.

ارتش پاکستان اعلام کرد که این عملیات در پاسخ به حملات فرامرزی از خاک افغانستان و در چارچوب حق دفاع مشروع انجام شده است. بر اساس این اظهارات، حملات نیروهای نظامی پاکستان صرفاً مواضع و زیرساخت‌های نظامی طالبان را هدف قرار داده و بیش از ۲۰۰ تروریست را کشته‌اند. با این حال، ارتش پاکستان هم‌چنین تأکید کرده است که تمامی تدابیر لازم برای جلوگیری از تلفات غیرنظامیان اتخاذ شده است. ارتش پاکستان در ادامه از مقامات حاکم در افغانستان خواسته بود که مانع فعالیت گروه‌های مسلح ضد پاکستانی در خاک افغانستان شود.^{۴۷}

یافته‌های رواداری اما نشان می‌دهد که نیروهای نظامی پاکستان در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵، حمله‌ی را علیه یک موضع نظامی طالبان در ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار آغاز کردند. سپس دامنه حملات به‌صورت هوایی و زمینی به روستاها و مناطق مسکونی گسترش یافت که در نتیجه، منجر به تلفات گسترده غیرنظامیان و به‌ویژه زنان و کودکان گردید.

یک کارمند صحنی از ولسوالی سپین بولدک در این مورد گفته است:

«نیروهای نظامی پاکستان بر مناطق غیر نظامی و خانه‌های مسکونی بمباران کردند که منجر به تلفات گسترده انسانی شد. تعداد قربانیان خیلی زیاد بود، ۴۰ نفر کشته و ۱۷۰ تن دیگر زخمی شده بودند.»^{۴۸}

یک تن دیگر از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته است که:

«درگیری ابتدا با شلیک سلاح‌های سبک مانند کلاشینکوف آغاز شد و سپس با استفاده از سلاح‌های سنگین شدت پیدا کرد. پس از آن نیروهای نظامی پاکستان بمباران را آغاز کردند و محلات غیر نظامی را هدف قرار دادند. در منطقه شهید ولسوالی سپین بولدک بر مردم عام بمباران کردند و در یکی از رویدادها حدود ۶ نفر در نتیجه فروریختن سقف خانه زیر آوار شدند و جان باختند. بعداً دامنه حملات به منطقه اینزری که در آن مهاجران عودت‌کننده تجمع کرده بودند، گسترش یافت. سپس حملات به شهر قندهار کشیده شد. ابتدا روستای لقمان که در نزدیکی محل زندگی ما قرار داشت هدف قرار گرفت و پس از آن روستای ما نیز بمباران شد.»^{۴۹}

47 - 23-/13/10/Pakistan Today, 23 Troops Martyred, Over 200 Taliban terrorists killed as Pakistan Respond to Afghan Aggression: IAPR, (13 October 2025). <https://www.pakistantoday.com.pk/2025-troops-martyred-over-200-taliban-terrorists-killed-as-pakistan-responds-afghan-aggression-ispr>

48 - رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۷، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵.

49 - رواداری، مصاحبه شونده شماره ۹، ۷ می ۲۰۲۶.

همین طور، یک مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«در خانه نشسته بودم که صدای هواپیما و سپس صدای انفجار و اصابت یک بمب را شنیدم. فوراً به بیرون دویدم، همه جا را خاک و غبار گرفته بود و زنان و کودکان دیده نمی‌شدند. پس از جستجو تعدادی از آن‌ها را پیدا کردم، یک زن زخمی شده بود و او را به شفاخانه انتقال دادیم... اتاق‌های خانه من نیز ویران شده و آسیب دیده است. هنوز هم شیر خشک کودکان را از زیر خاک بیرون می‌کشم. تمام وسایل خانه‌ام زیر خاک مانده است. این حمله بسیار وحشتناک بود، زنان و کودکان چه گناهی کرده‌اند که مورد بمباران قرار گرفتند.»^{۵۰}

حمله بروایت کنر

در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵ نیروهای نظامی پاکستان حملات گسترده‌ای هوایی و راکتی را بر شهر اسعدآباد و ولسوالی سرکانوی ولایت کنر آغاز کردند که منجر به کشته و زخمی شدن دست‌کم ۱۰۸ غیر نظامی شامل ۶۶ زن، ۳۳ کودک و ۹ مرد گردید.

یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد اظهار داشته است:

«در اواخر ماه اپریل، نیروهای پاکستان حملات خونینی را آغاز کردند. آن‌ها یک خانه را در نزدیکی دانشگاه کنر هدف قرار دادند، بر دانشکده تعلیم و تربیه حمله کردند و روستای ساگی و روستای چاگی در مرکز ولایت و ولسوالی‌های سرکانو و مروره را نیز به صورت گسترده با راکت و بم چهل چهل هدف قرار دادند. تعداد زخمی‌ها بیش از ۹۰ بود اما من شخصاً ۵۵ زن، کودک و مرد غیر نظامی را دیدم که در این حملات زخمی شده بودند. یک راکت بر دانشکده تعلیم و تربیه اصابت کرد که در نتیجه آن ۱۱ نفر زخمی شدند. هم‌چنین در حملات دیگر بر خانه‌های مسکونی و روستاهای یادشده، ده‌ها غیر نظامی کشته و زخمی شدند.»^{۵۱}

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«در تاریخ ۲۷ اپریل ۲۰۲۶ نیروهای سرحدی پاکستان مرکز ولایت کنر را هدف چندین حمله هوایی قرار دادند. پسر کاکایم که در یک ناوایی کار می‌کرد، از ترس حملات همراه با نانوا تصمیم گرفتند به محل امن بروند. اما زمانی که در حال فرار بودند، یک بم چهل در نزدیکی آن‌ها اصابت کرد. نانوا به یک خرمن گندم پرتاب شد و ترکش‌های بمب به بدن پسر کاکایم اصابت کرد و او در نتیجه خونریزی شدید جان باخت.»^{۵۲}

آن‌گونه که اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد نیروهای نظامی پاکستان در شماری از رویدادها حملات زمینی و هوایی را به صورت هم‌زمان یا در فاصله زمانی کوتاه بر یک منطقه اجرا کرده‌اند. در برخی موارد حملات زمانی انجام شده که غیر نظامیان در حال فرار از محل یا تلاش برای پناه گرفتن پس از حملات زمینی بوده‌اند. چنین شیوه‌ای از حملات که به طور قابل ملاحظه‌ای آسیب به غیر نظامیان را افزایش داده است برخلاف اصل تفکیک و احتیاط می‌باشد و می‌تواند مصداق جنایت جنگی قلمداد شود.^{۵۳}

50. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱۸، اکتبر ۲۰۲۵.

51. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۷۰۴، می ۲۰۲۶.

52. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۲۱۰۲، می ۲۰۲۶.

53. (Customary International Humanitarian Law, Rules 1, 11, 14, 15 and 24; Rome Statute of the International Criminal Court, Article 8(2)(b)(i), (ii) and (iv)).

حمله بر غیر نظامیان در جریان تشیع و تدفین قربانیان

یکی از الگوهای نگران‌کننده که در این گزارش مستند شده است، تداوم حملات یا تهدید ناشی از حملات در زمان جمع‌آوری، انتقال و تدفین اجساد قربانیان حملات بوده است. چنان‌که شماری از غیرنظامیان هنگام جمع‌آوری، تشیع و تدفین قربانیان مورد حمله قرار گرفته و برخی دیگر، به دلیل ترس از تکرار حملات ناچار شده‌اند اجساد بستگان خود را با تاخیر، در تاریکی شب و یا در روستاهای دیگر به خاک بسپارند. چنان‌که ۳ تن از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق اظهار داشته‌اند که افراد غیر نظامی هنگام تدفین قربانیان، هدف حملات بعدی قرار گرفته و نیز ۶ مصاحبه‌شونده دیگر به دفن اجساد قربانیان در روستاهای دیگر به دلیل ترس از حملات مجدد اشاره کرده‌اند.

یک مصاحبه‌شونده در این مورد گفته است:

«در تاریخ ۲۶ فیبروری سال ۲۰۲۶، یک مرمی هاوان که از یک پوسته نیروهای نظامی پاکستان در نزدیکی روستای بریکوت در ولسوالی نری ولایت کنر شلیک شده بود، بر خانه یک تن از باشندگان غیر نظامی اصابت کرد که در نتیجه آن یک پسر ۲۱ ساله و یک دختر ۸ ساله از اعضای این خانواده کشته شدند. وقتی ما از این رویداد مطلع شدیم با ترس و نگرانی به خانه او رفتیم چون از دوستان ما بود. اما مرمی‌ها پی در پی می‌آمدند و نیروهای پاکستانی مردم ملکی را هدف قرار می‌دادند. به همین دلیل ما تصمیم گرفتیم که جنازه‌ها را در تاریکی شب در یک روستای دیگر دفن کنیم تا از حملات در امان باشیم. چند جوان مصروف کندن قبر بودند که نیروهای پاکستانی آن‌ها را هدف قرار دادند. در نتیجه، ۳ جوان ۱۸ ساله، ۲۵ ساله و ۳۰ ساله کشته شدند. بنابراین، ما در تاریکی شب و در میان غم و اندوه، به جای دو جنازه پنج جنازه را دفن کردیم. وضعیت بسیار بدی بود و حتا صحبت کردن درباره آن برایم سخت است.»^{۵۴}

موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که غیر نظامیان از ترس تکرار حملات، مجبور شده‌اند، اجساد بستگان خود را در روستاهای دورتر به خاک بسپارند. چنان‌که یک تن از مصاحبه‌شوندگان چنین روایت گفته است:

«یک مرمی هاوان که توسط نیروهای نظامی پاکستان فیر شده بود، در نزدیک خانه‌ام اصابت کرد. خانم برادرم که ۴۰ سال عمر داشت با دختر ۹ ساله‌اش در اثر پارچه‌های هاوان جابجا کشته شدند. ما به سختی اجساد آن‌ها را داخل خانه بردیم چون هر لحظه نگران حملات بعدی بودیم، حتا نتوانستیم آن‌ها را در روستا و هدیره خود به خاک بسپاریم. ترس و وحشت تمام روستا را فرا گرفته بود به همین دلیل اجساد قربانیان را در یک روستای دورتر به خاک سپردیم.»^{۵۵}

مصاحبه‌شونده دیگر از ولسوالی مومند دره ولایت ننگرهار در این مورد گفته است:

«از ترس راکت‌های پاکستان، قریه خود را ترک نموده و به ولسوالی سرخورد ولایت ننگرهار فرار کردیم. شب را در خانه یکی از اقارب سپری نمودیم. صبح روز بعد، برادرم با من تماس گرفت، بسیار ترسیده بود و صدایش می‌لرزید. به من گفت که در خانه ما یک مرمی هاوان پاکستان اصابت کرده، برادرزاده ۸ ساله‌ام که دانش‌آموز صنف اول مکتب بود کشته شده و مادرم نیز زخمی شده است. من با شنیدن این خبر تکان خوردم. فوراً یک موتر کرایه کردم و به طرف خانه حرکت کردم. در مسیر راه چندین بار با برادرم صحبت کردم، او گفت مادر در شفاخانه تحت مداوی است، چند دقیقه بعد دوباره به برادرم زنگ زدم اما این بار یکی از بزرگان محل تلفن را پاسخ داد و گفت مادر تان شهید شده است. شنیدن این خبر برایم بسیار سخت و دردناک بود. وقتی آن‌جا رسیدم، مردم محل تصمیم گرفته بودند که اجساد قربانیان را در یک روستای دیگر دفن کنند، چون هر لحظه احتمال شلیک دوباره راکت‌های پاکستان وجود داشت. سرانجام اجساد تکه تکه شده مادر و برادرزاده‌ام را کنار یکدیگر به خاک سپردیم.»^{۵۶}

54. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۹، ۳۰ اپریل ۲۰۲۶.

55. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، می ۲۰۲۶.

56. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۷، ۱۰ اپریل ۲۰۲۶.

حمله بر آیین‌های مذهبی و به‌خصوص مراسم تشیع یا تدفین قربانیان حملات، نقض صریح اصل حمایت از غیرنظامیان به شمار می‌رود که افزون بر تلفات انسانی، پیامدها و آثار روانی و اجتماعی عمیق بر خانواده‌های قربانیان و جوامع محلی بر جای می‌گذارد. با این وجود، چنان‌که شواهد بدست‌آمده نشان می‌دهد نیروهای نظامی پاکستان در موارد متعدد، غیرنظامیان را هنگام تدفین قربانیان هدف قرار داده و یا غیرنظامیان به دلیل ترس از تکرار حملات مجبور شده‌اند که اجساد بستگان خود را در تاریکی شب یا در روستاهای دیگر به خاک بسپارند.

این وضعیت نشان‌دهنده عدم پابندی نیروهای نظامی پاکستان به اصل تفکیک و حفاظت از غیرنظامیان بوده و به تبع آن نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شمار می‌رود.^{۵۷}

حمله بر اموال غیر نظامی و تاسیسات عمومی

اموال غیر نظامی شامل تمامی اموالی است که هدف نظامی محسوب نمی‌شوند. هدف نظامی به اموالی محدود می‌شود که به دلیل ماهیت، موقعیت، هدف یا نحوه استفاده، سهم مؤثری در عملیات نظامی داشته باشند و انهدام، تصرف یا خنثاسازی کامل یا جزیی آن‌ها در زمان حمله، مزیت نظامی مشخص و مستقیم ایجاد کند. افزون بر این، در صورت وجود هرگونه تردید در مورد ماهیت نظامی یا غیرنظامی بودن، اصل بر غیر نظامی بودن اموال است و باید از حمایت مقرر در حقوق بین‌الملل بشردوستانه برخوردار باشد.^{۵۸}

با این وجود، یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که در دوره زمانی دسامبر ۲۰۲۴ تا جون ۲۰۲۶، در نتیجه حملات نظامی پاکستان، اموال غیر نظامی از جمله خانه‌های مسکونی، مکاتب، مراکز صحتی و دیگر تاسیسات عمومی و خصوصی به صورت گسترده آسیب دیده‌اند.

58 - پروتکل الحاقی اول، ماده ۵۲ بند ۱ و ۲ و ۳.



کمپ درمان و بازپروری امید بعد از حمله هوایی
۱۶ مارچ ۲۰۲۶ | عکس: آژانس خبری پژواک

الف. تعداد خانه‌های مسکونی تخریب شده

اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی این گزارش، دست‌کم ۳۹۴ باب خانه مسکونی متعلق به غیر نظامیان از جمله ۱۷۰ مورد در ولایت پکتیکا، ۱۰۴ مورد در ولایت کنر، ۵۷ مورد در ولایت قندهار، ۵۳ مورد در ولایت خوست، ۶ مورد در ولایت ننگرهار، ۳ مورد در ولایت پکتیا و ۱ مورد در شهر کابل به‌طور کامل یا جزئی تخریب شده‌اند. با توجه به محدودیت دسترسی به برخی از مناطق درگیر، امکان مستندسازی کامل خسارات وارده وجود نداشته و از این‌رو، احتمال می‌رود که شمار واقعی خانه‌های مسکونی تخریب شده، بیش از چیزی باشد که در این گزارش مطرح شده است.

بر اساس گزارش دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد، هم‌زمان با تشدید منازعات مسلحانه میان افغانستان و پاکستان، نزدیک به یک هزار خانه مسکونی آسیب دیده یا به‌طور کامل ویران شده‌اند.^{۵۹}

علاوه بر این، ۱۸ نفر از مصاحبه‌شوندگان این تحقیق، درباره تخریب کامل یا آسیب جزیی خانه‌های خود سخن گفته و نیز ۶ مصاحبه‌شونده دیگر در مورد تخریب کامل و یا جزیی خانه‌های سایر غیر نظامیان معلومات داده‌اند. چنان‌که یک تن از مصاحبه‌شوندگان که خانه‌اش در یک حمله هوایی نیروهای نظامی پاکستان به‌صورت کامل تخریب شده، چنین روایت کرده است:

« ناگهان انفجار بزرگی رخ داد و در ابتدا تصور کردم زلزله شده است. خانه من حدود یک جریب مساحت داشت که در مجاورت آن هیچ خانه دیگری نبود. این خانه را در بخشی از زمین‌های زراعتی ساخته بودم و بخش‌های دیگر زمین را باغ نارنج تشکیل می‌داد. مهمان‌خانه نیز در فاصله کوتاهی از خانه اصلی قرار داشت و شامل یک اتاق بزرگ جداگانه بود. پس از حمله، خانه‌ام به‌صورت کامل ویران شد. سیستم سولری مورد استفاده برای استخراج آب از چاه نیز آسیب دید. تمامی وسایل از جمله یک عراده موتر از بین رفته و تنها مهمان‌خانه سالم باقی مانده است. »^{۶۰}

این روایت نشان می‌دهد که خسارات ناشی از حملات نیروهای نظامی پاکستان تنها به تخریب خانه‌های مسکونی محدود نبوده، بلکه دارایی‌ها و منابع معیشتی غیر نظامیان از جمله مواشی، وسایط نقلیه، باغ، زمین‌های زراعتی و دیگر امکانات ضروری نیز آسیب دیده است.

مصاحبه‌شونده دیگر که در یک نهاد غیر دولتی فعالیت می‌کند، در این باره چنین معلومات داده است:

« نیروهای سرحدی پاکستان که در قسمت جنوبی بر بالای کوه‌ها موقعیت دارد قصداً مردم ملکی، ساحات مسکونی و تاسیسات عام المنفعه را مورد هدف قرار می‌دادند. معلومات و نتایج ارزیابی‌های ما نشان می‌دهد که تنها در روستاهای دوکلام و بریکوت ولسوالی نری ولایت کنر، ۱۲ خانه مسکونی تخریب شده است.^{۶۱}

همین‌طور، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفته است:

« در ولایت کنر بیش از ۱۰۰ خانه در اثر حملات راکتی و هوایی نیروهای پاکستان تخریب شده است. تنها در اسعدآباد مرکز این ولایت ۱۴ خانه مسکونی، در کره مار ۶ خانه و در ساحه مانو ۸ خانه به‌طور کامل تخریب شده اند. »^{۶۲}

United Nations Office for Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA), Afghanistan Humanitarian Update (March and April 2026). <https://www.unocha.org/publications/report/afghanistan/afghanistan-humanitarian-update-march-and-april-2026> 59

60 . مصاحبه‌شونده شماره ۵، ۱۷ می ۲۰۲۶.

61 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۳، ۲۹ اپریل ۲۰۲۵.

62 . رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۴، ۷ می ۲۰۲۶.

خانه‌های مسکونی تا زمانی که به اهداف نظامی تبدیل نشده باشند، از جمله اموال غیر نظامی محسوب می‌شوند و از حمایت کامل حقوق بشردوستانه بین‌المللی برخوردارند. با این وجود در رویدادهای که رواداری آن‌ها را مستند کرده است، هیچ گونه شواهد و اسناد دال بر استفاده نظامی از این خانه‌ها یا تبدیل آن‌ها به اهداف نظامی بدست نیامده است. از این رو، اقدامات نیروهای نظامی پاکستان در مخالفت آشکار با اصل تفکیک و تعهد به حمایت از اموال غیر نظامی قرار دارد و نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شمار می‌رود.^{۶۳}

ب. تخریب تاسیسات عمومی و زیرساخت‌های غیر نظامی

بر اساس یافته‌های این گزارش، دست‌کم ۲۲ باب مکتب، ۱ باب شفاخانه، ۱ باب کلینیک، ۱۱ باب مسجد، ۴۶ باب دکان و ۱۰ باب موتر فروشی در ولایت‌های پکتیا، پکتیکا، خوست، کنر، ننگرهار، قندهار و شهر کابل کاملاً تخریب شده یا آسیب جزیی دیده‌اند.

دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد در گزارشی اعلام کرده است که ارزیابی‌های آنان نشان می‌دهد که از زمان تشدید درگیری‌ها میان افغانستان و پاکستان، زیرساخت‌های غیر نظامی از جمله مکاتب، مراکز صحتی و سیستم‌های تأمین آب نیز آسیب دیده یا تخریب شده است. در گزارش هم‌چنان آمده است که حدود ۱۹ مرکز صحتی فعالیت‌های خود را به حالت تعلیق درآورده، تعطیل نموده و یا خدمات خود را محدود کرده است؛ وضعیتی که دسترسی حدود ۷۸ هزار نفر به خدمات صحتی را با محدودیت روبه ساخت است. همین‌طور، گزارش تأکید کرده است که طی این مدت بیش از ۱۳ هزار دانش آموز در ولایت‌های کنر و ننگرهار با اختلال در روند آموزش خود مواجه شده‌اند.^{۶۴}

یک مصاحبه‌شونده در این مورد به رواداری گفته است:

«به عنوان یک خبرنگار محلی که این رویدادها را از نزدیک بررسی کرده‌ام، می‌توانم بگویم که در ولایت کنر در نتیجه حملات نیروهای نظامی پاکستان ۵ باب مسجد آسیب دیده، ۱۰ باب مکتب تخریب شده و هم‌چنین دانشکده تعلیم و تربیه دانشگاه کنر آسیب دیده و سولر سیستم آن از بین رفته است.»^{۶۵}

مصاحبه‌شونده دیگر در این مورد گفته است:

«مکاتب روستای دو کلام و روستای بریکوت (ولسوالی نری ولایت کنر) به‌طور کامل ویران شده‌اند. چندین مسجد نیز تخریب شده است که من شخصا دو مسجد را دیده‌ام؛ مسجد جامع قریه دو کلام و مسجد جامع روستای بریکوت که هر دو به صورت کامل تخریب شده و دیگر قابل استفاده نیستند. در این مساجد هیچ فرد نظامی حضور نداشت؛ اما با وجود آن هم مورد حمله قرار گرفتند و تخریب شدند. هم‌چنین، نیروهای مرزی پاکستان شبانه با فیریک مرمی هاوان یک مکتب متوسطه در روستای چونه گله و یک کلینیک در روستای بریکوت را هدف قرار دادند. مکتب کاملاً تخریب شد است اما خوشبختانه به کسی آسیب نرسیده چون حمله در جریان شب صورت گرفته بود.»^{۶۶}

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان از ولسوالی سپین بولدک ولایت قندهار اظهار داشته است:

«یک گلوله هاوان به یک مدرسه اصابت کرده بود که خوشبختانه آن زمان کسی داخل مدرسه نبود اما بخش‌های از ساختمان آن تخریب شده بود. علاوه بر این، زمانی که به محل رفتم، دیدم شماری از مکاتب آسیب دیده و سقف برخی از آن‌ها فرو ریخته بود. مسجد دیگر را نیز دیدم که به‌صورت کامل تخریب شده بود و دیوارها و سقف آن کاملاً فرو ریخته بود.... شخصا سه مکتب را دیدم که مورد حمله قرار گرفته بودند و یکی از آن‌ها به‌طور کامل ویران شده بود. پس از آن

63. ICRC Customary IHL Study, Rules 7, 9 and 10; Additional Protocol I, art. 52

64. OCHA, Afghanistan Humanitarian Update (March and April 2026). <https://www.unocha.org/publications/report/afghanistan/afghanistan-humanitarian-update-march-and-april-2026>

65. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۴، ۷ می ۲۰۲۶.

66. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۳، ۲۹ اپریل ۲۰۲۶.

دانش آموزان به این مکاتب نمی‌رفتند، زیرا مردم فکر می‌کنند که اگر چند نفر در یک محل تجمع کنند، ممکن است نیروهای پاکستان آن محل را بمباران کنند. به همین دلیل مردم از تجمع در مکان‌های عمومی خودداری می‌کنند. هم‌چنین، بازار محل نیز خسارات فراوان دیده بود و تعداد زیادی از دکان‌ها کاملاً تخریب یا سقف‌های شان فرو ریخته بود.^{۶۷}

انسداد مسیر مواصلاتی ولسوالی‌های برگ‌متال و کامدیش ولایت نورستان

شواهد و اطلاعات بدست‌آمده نشان می‌دهد که از اول فبروری تا ۱۴ اپریل ۲۰۲۶ نیروهای سرحدی پاکستان مسیر مواصلاتی دو ولسوالی برگ‌متال و کامدیش ولایت نورستان را در منطقه بریکوت ولسوالی نری ولایت کنر، به‌طور کامل مسدود کرده بودند. به دلیل کوهستانی بودن دو ولسوالی کامدیش و برگ‌متال، این مسیر یگانه راه مواصلاتی آن‌ها با مرکز ولایت نورستان و هم‌چنین ولایت‌های کنر و ننگرهار می‌باشد.

بر اساس اطلاعات گردآوری‌شده، نیروهای سرحدی مستقر در منطقه روند واقع در منطقه چترال پاکستان و در امتداد خط دیورند، از تردد هرگونه وسایط نقلیه و حتا رفت و آمد غیر نظامیان از این مسیر جلوگیری می‌کردند. این محدودیت‌ها عملاً دو ولسوالی یادشده را برای بیش از دو ماه در وضعیت دشوار قرار داده و دسترسی باشندگان آن به مواد اولیه، خدمات صحتی و سایر نیازهای ضروری را با مشکلات جدی مواجه ساخته بود.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که در تاریخ ۱۹ مارچ ۲۰۲۶، یک روز قبل از عید فطر، شماری از غیرنظامیان با تصور این‌که در پی اعلام آتش‌بس امکان عبور از این مسیر فراهم شده است، اقدام به سفر کردند؛ اما موتر حامل آن‌ها هدف تیراندازی نیروهای سرحدی پاکستان قرار گرفت. در نتیجه این تیراندازی موتر به داخل رودخانه سقوط کرد که در نتیجه آن یک داکتر زن و کودک خردسالش جان باختند.

شواهد بدست‌آمده هم‌چنان نشان می‌دهد که انسداد این مسیر پیامدهای گسترده‌ای بر وضعیت معیشتی و دسترسی باشندگان این دو ولسوالی به خدمات اساسی از جمله خدمات صحتی و درمانی بر جای گذاشته است. زیرا طی این مدت به دلیل متوقف شدن انتقال مواد اولیه، از یک طرف قیمت مواد غذایی به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته بود و از سوی دیگر، مراکز صحتی با کمبود دارو و تجهیزات ضروری مواجه شده بودند.

اطلاعات بدست‌آمده حاکی از آن است که به دلیل خطرات ناشی از عبور از این مسیر و محدودیت‌های اعمال شده از سوی نیروهای نظامی پاکستان، در بسیاری موارد انتقال بیماران به مراکز درمانی مرکز نورستان و ولایت‌های کنر و ننگرهار که امکانات بهتری در اختیار دارند، امکان پذیر نبوده است. به همین دلیل، برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته‌اند که شماری از بیماران به دلیل تأخیر یا عدم دسترسی به خدمات درمانی طی این مدت، جان خود را از دست داده‌اند.

علاوه بر این، یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که شمار قابل‌توجهی از خانواده‌ها به دلیل تداوم انسداد مسیر مواصلاتی یاد شده و به تبع آن افزایش مشکلات معیشتی و به‌ویژه چالش‌های دسترسی به خدمات درمانی، ناچار شدند از مسیرهای کوهستانی و صعب‌العبور منطقه، با تحمل خطرات و دشواری‌های فراوان به ولایت‌های کنر و ننگرهار نقل مکان کنند.

یک تن از مصاحبه‌شوندگان چنین روایت کرده است:

«پس از مسدود شدن راه‌های مواصلاتی و آغاز درگیری‌ها، ساکنان ولسوالی‌های کامدیش و برگ‌متال با مشکلات بسیار جدی رو به رو شدند. قیمت مواد غذایی به شدت افزایش یافته بود و در داروخانه‌ها و مراکز صحتی امکانات کافی وجود

نداشت. بسیاری از بیماران به دلیل اینکه امکان انتقال به ولایت‌های دیگر را نداشتند، از درمان محروم شدند و حتا شماری از آنان جان خود را از دست دادند. ما مردم غیر نظامی هستیم و هیچ نقشی در این درگیری‌ها نداریم. با این حال اما مجبور شدیم چنین شرایط دشوار و رنج‌آور را تحمل کنیم. برای ما معلوم نبود که چرا مسیر رفت و آمد به روی ما مسدود شده بود، پاکستان که یک کشور اسلامی است چرا چنین وضعیتی را بر مردم تحمیل کرده بود.^{۶۸}

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«نیروهای نظامی پاکستان برای دو ماه راه‌های مواصلاتی ولسوالی‌های کامدیش و برگمتال ولایت نورستان را مسدود کرده بودند و به هیچ کسی نه وسایط نقلیه و نه به افراد غیر نظامی پیاده اجازه رفت و آمد نمی‌دادند. در این مدت باشندگان آن دو ولسوالی با کمبود شدید مواد غذایی، دارو و دیگر مواد ضروری مواجه شده بودند. حتا شنیدم که کودکان از گرسنگی مردند و چند زن باردار که نیاز داشتند به شفاخانه‌های مجهز تر خارج از ولسوالی بروند، حین ولادت جان باختند.^{۶۹}»

با این حال، در تاریخ ۱۴ اپریل ۲۰۲۶، در پی میانجی‌گری و تلاش بزرگان محلی دو سوی خط دیورند، محدودیت‌های اعمال شده بر این مسیر پایان یافت و رفت و آمد باشندگان دو ولسوالی برگمتال و کامدیش از سر گرفته شد.

بر اساس حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، طرف‌های مخاصمه وظیفه دارند که در جریان عملیات نظامی از جمعیت‌های غیر نظامی حمایت نموده و از اقداماتی که دسترسی آنان به نیازهای اساسی، از جمله غذا، دارو و خدمات درمانی را به‌صورت جدی با مانع یا اختلال مواجه می‌کند، خود داری ورزند. ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو^{۷۰} و قواعد عرفی حقوق بشردوستانه، محروم ساختن غیر نظامیان از نیازهای اساسی که برای بقای آن‌ها ضروری است را ممنوع کرده است.^{۷۱} از این رو، اقدام نیروهای نظامی پاکستان می‌تواند عدول از مقررات یاد شده و نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب گردد.



68. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۲۹، اپریل ۲۰۲۶.

69. رواداری مصاحبه شونده شماره ۷۰، ۴ می ۲۰۲۶.

70. پروتکل الحاقی اول، ماده ۵۴.

71. Jean-Marie Henckaerts & Louise Doswald-Beck (eds.), Customary International Humanitarian Law, Vol. I: Rules, ICRC, Cambridge University Press, 2005.

بی جاشدگی

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در پی شدت گرفتن مخاصمات مسلحانه و حملات نیروهای نظامی پاکستان، از دسامبر ۲۰۲۴ تا جون ۲۰۲۶ دست‌کم ۲۹ هزار خانواده در ولایت‌های پکتیکا، پکتیا، کنر، خوست، ننگرهار، نورستان، قندهار و هلمند آواره و مجبور به ترک محل زندگی خود شده‌اند. این افراد به دلیل نا امنی و تهدیدات ناشی از حملات، افزایش قیمت مواد غذایی و محدودیت در دسترسی به خدمات صحتی، به مناطق هم‌جوار و امن‌تر پناه برده‌اند.

با این حال، با توجه به محدودیت‌های دسترسی به اطلاعات، شرایط امنیتی و دیگر موانع موجود در مناطق درگیر، ممکن است شمار واقعی افراد و خانواده‌های بی‌جا شده بیش از آمار مندرج در این گزارش باشد.

حمله هوایی پاکستان بر ولسوالی چمکنی ولایت پکتیا
۲۹ جون ۲۰۲۶ | عکس: آژانس خبری پژواک



دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد در گزارشی گفته است که از زمان تشدید درگیری‌ها میان پاکستان و افغانستان، بیش از ۱۰۰ هزار نفر در ولایت‌های خوست، کنر، ننگرهار، نورستان، پکتیا و پکتیکا آواره شده‌اند.^{۷۲}

تمامی ۲۲ مصاحبه‌شونده این تحقیق به بی‌جا شدگی غیرنظامیان در پی تشدید حملات نظامی پاکستان اشاره نموده و در این میان ۶ تن از آن‌ها اظهار داشته که خود و اعضای خانواده‌شان نیز در نتیجه این حملات ناگزیر به ترک محل زندگی خود شده‌اند.

یکی از این مصاحبه‌شوندگان گفته است:

«در یازدهم ماه رمضان من و همه اعضای خانواده‌ام روستای خود را ترک کردیم و به ولسوالی سرربی مهاجر شدیم. فعلاً در منطقه ای بنام سپیدار نری، زیر خیمه زندگی می‌کنیم. ۷۰ خانواده دیگر از ولسوالی برمل نیز در همین منطقه و در داخل خیمه‌ها زندگی می‌کنند.»^{۷۳}

مصاحبه‌شونده دیگر از ولایت کنر که در جمع‌آوری معلومات مربوط به خانواده‌های بی‌جا شده برای یک موسسه غیر دولتی کار کرده، به رواداری گفته است:

«بیش از ۲۵ هزار تن از ماه فبروری تا آخر مارچ ۲۰۲۶، از ولسوالی‌های مختلف ولایت کنر و نورستان بی‌جا شده و در بخش‌های از مرکز ولایت کنر از جمله نزدیک پل مروره، دره پیچ و کمپ هجرت آباد؛ جایی که برای مهاجران باجور ساخته شده بود و یک کمپ دیگر به نام عثمانیه که قبلاً برای زلزله زده‌ها اختصاص داده شده بود و هم‌چنین در خانه‌های دوستان و اقارب خود در ولسوالی‌های مختلف و نیز شهر جلال آباد و کابل زندگی می‌کنند.»^{۷۴}

همین‌طور، مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است:

«در ولایت خوست در حدود ۶۰۰ خانواده بی‌جا شده است. مردم به هر سمتی می‌رفتند که فکر می‌کردند امن‌تر است، اما در هر جایی که می‌رفتند احساس امنیت و آرامش نداشتند. همه در ترس و نگرانی زندگی می‌کنند. وضعیت مانند زلزله بود، هر کس فقط تلاش می‌کرد خود و خانواده‌اش را نجات دهد و به جای امن و مصئون برسد.»^{۷۵}

مشکلات خانواده‌های بی‌جا شده

بر اساس اطلاعات بدست‌آمده، افراد بی‌جا شده با مشکلات و چالش‌های متعددی از جمله کمبود غذا، سرپناه، زندگی در مکان‌های نامناسب و غیر بهداشتی، محرومیت از خدمات آموزشی و صحتی و نیز ترس مداوم از تکرار حملات و از دست دادن بستگان خود مواجه بوده‌اند.

چنان‌که تمامی مصاحبه‌شوندگان این تحقیق به کمبود غذا، سرپناه مناسب و خدمات آموزشی و صحتی به عنوان مشکلات اساسی خانواده‌های بی‌جا شده اشاره کرده‌اند. ۲۰ نفر به ترس مداوم از تکرار حملات، ۱۸ نفر به کمبود غذا و خدمات صحتی و ۱۶ نفر به محرومیت کودکان از حق آموزش اشاره کرده‌اند.

یک مصاحبه‌شونده در این مورد گفته است:

«بی‌جاشدگان با مشکلات متعددی مواجه می‌باشند؛ از جمله کمبود خیمه، مواد غذایی، دوا و داکتر و عدم دسترسی کودکان به حق آموزش. حتا شماری از خانواده‌های بی‌جا شده، در روزهای نخست زیر باران و بدون هیچ‌گونه سرپناهی

72. OCHA, Afghanistan Humanitarian Update (March and April 2026). <https://www.unocha.org/publications/report/afghanistan/afghanistan-humanitarian-update-march-and-april-2026>.

73. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰۶ می ۲۰۲۶.

74. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱۱ می ۲۰۲۶.

75. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۰۶ جون ۲۰۲۶.

زندگی می‌کردند. در نتیجه تلاش‌های من و شماری دیگر از دوستان، مسئولان محلی آن‌ها را با موتر به ورزشگاه‌ها و بعضی محلات دیگر انتقال دادند. بعداً تعدادی از نهادها مانند اداره مبارزه با حوادث و جمعیت هلال احمر افغانی (سره میاشت) مقداری کمک‌های اولیه در اختیار آنان قرار دادند، اما این کمک‌ها به هیچ وجه پاسخ‌گوی نیازهای بی‌جا شدگان نبود.^{۷۶}

مصاحبه‌شونده دیگر که خانه‌اش در نتیجه حملات نیروهای پاکستان تخریب شده، چنین روایت کرده است:

«من اکنون با اعضای خانواده‌ام به‌شمول کودکان، در یک فارم مرغداری که متعلق به یکی از دوستان ما است زندگی می‌کنم. در حال حاضر در این فارم مرغ نگهداری نمی‌شود، اما این‌جا هیچ امکاناتی برای زندگی ندارد، بوی بسیار بد می‌دهد و اصلاً محل مناسبی برای سکونت نیست. چاره دیگری نداریم و مجبوریم همین‌جا زندگی کنیم.»^{۷۷}

هم‌چنین، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان از قندهار گفته است:

«افرادی که از خانه‌های خود بی‌جای شده‌اند به سه گروه تقسیم می‌شوند. گروه نخست کسانی‌اند که توانایی مالی داشتند و خود را به شهر قندهار رساندند. گروه دوم به خانه‌های اقارب و خویشاوندان خود در خارج از منطقه پناه بردند. اما گروه سوم که بیش‌ترین شمار بی‌جاشدگان را تشکیل می‌دهند، به دامنه کوه اینزرگی پناه بردند. در آن‌جا هیچ امکاناتی وجود ندارد. تعدادی از آن‌ها برای خود خیمه برپا کردند و شماری دیگر حتا بدون خیمه شب و روز را در فضای باز سپری می‌کنند. هیچ کس به آنان کمک نکرده است؛ نه حکومت و نه هم نهادهای بین‌المللی امداد رسان. تعداد زیادی از مردم هنوز در بی‌جا شدگی به سر می‌برند و به خاطر ترس از آغاز دوباره درگیری‌ها نتوانسته‌اند به خانه‌های خود برگردند.»^{۷۸}

مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است:

«من با خانواده‌ام فعلاً در خیمه زندگی می‌کنیم. زندگی در این‌جا بسیار سخت است و به علت گرمی هوا روز به روز سخت تر هم می‌شود؛ اما مجبوریم و چاره دیگر نداریم. ما در خیمه‌ای زندگی می‌کنیم که قبلاً از آن برای نگهداری مواشی استفاده می‌کردم.»^{۷۹}

روایت‌های مصاحبه‌شوندگان به خوبی نشان می‌دهد که بی‌جاشدگی غیر نظامیان به دلیل حملات نظامی پاکستان صرفاً به ترک خانه و محل زندگی محدود نبوده بلکه پیامدهای انسانی دراز مدت به همراه داشته و این خانواده‌ها را ضمن محروم ساختن از حقوق اساسی شان، در برخی موارد ناچار به زندگی در شرایط دشوار و سکونت در مکان‌های نامناسب و غیر بهداشتی کرده است.

اقدامات مسئولان محلی و سازمان‌های امداد رسان

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اقدامات انجام‌شده از سوی مسئولان محلی و دیگر نهادهای امداد رسان پاسخ‌گوی نیازهای مجروحان، خانواده‌های قربانیان و افراد بی‌جا شده نبوده است. چنان‌که ۱۲ نفر از مجموع مصاحبه‌شوندگانی که بستگان خود را در حملات از دست داده گفته‌اند که تنها کمک‌های محدودی از سوی مسئولان محلی یا برخی نهادهای امداد رسان دریافت کرده؛ در حالی‌که ۱۰ نفر دیگر گفته‌اند که هیچ گونه کمک یا حمایتی دریافت نکرده‌اند.

76. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۷، ۴ می ۲۰۲۶.

77. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۵، ۱۷ می ۲۰۲۶.

78. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۹، ۷ می ۲۰۲۶.

79. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۲۱، ۵ جولای ۲۰۲۶.

اطلاعات گردآوری شده حاکی از آن است که مسئولان محلی و برخی از سازمان‌های امدادگران مبلغ ۲۰ هزار تا ۵۰ هزار افغانی به خانواده‌های قربانیان، مبلغ ۱۰ هزار افغانی تا ۱۵ هزار افغانی به مجروحان، مبلغ ۵ هزار تا ۸ هزار افغانی و در برخی موارد خیمه و مواد غذایی برای خانواده‌های بی‌جا شدگان کمک کرده‌اند. در این میان قربانیانی نیز وجود دارد که هیچ کمکی از سوی نهادهای یاد شده دریافت نکرده است.

یک تن از مصاحبه‌شوندگان در مورد وضعیت خانواده یک قربانی چنین روایت کرده است:

«بعد از حمله هیچ کسی به خانواده او کمک نکرد. تنها یک صراف محلی مبلغ ۵ هزار افغانی به این خانواده داد. او از یک خانواده فقیر بود که به تازگی ازدواج کرده بود و در یک نانوائی کار می‌کرد. با وجود فقر و مشکلات اقتصادی، درس می‌خواند و دانش جوی انستیتوت اداره و حسابداری بود.»^{۸۱}

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«دفتر سره میاشت و ریاست مبارزه با حوادث با همکاری بعضی از موسسات بین‌المللی، به خانواده‌های بی‌جا شده بین ۵ هزار تا ۸ هزار افغانی کمک کردند. همچنین برای شماری از این خانواده‌ها خیمه و مواد غذایی نیز توزیع نمودند.»^{۸۲}

مصاحبه‌شونده دیگر که برادرش در یکی از حملات نیروهای نظامی پاکستان کشته شده، چنین روایت کرده است:

«به ما ۳۰ هزار افغانی پرداخت کردند که ۵ هزار آن مزد برادرم بود. به جز این، هیچ کس اقدام دیگری انجام نداده و ما کمک دیگر دریافت نکرده‌ایم. تنها یک سند به خاطر شهادت برادرم به ما دادند که آن را با کمیته صلیب سرخ شریک ساختیم، اما تا کنون از سرنوشت آن اطلاعی نداریم و نمی‌دانیم که کمکی دریافت خواهیم کرد یا خیر.»^{۸۳}

افزون بر این، در برخی موارد مجروحان به کمک‌های اولیه و خدمات درمانی مؤثر و به‌موقع دسترسی نداشته است چنان‌که یک تن از مصاحبه‌شوندگان گفته است:

«پدرم در نتیجه یکی از حملات نیروهای پاکستان زخمی شد. ما در یک روستای دور افتاده زندگی می‌کنیم و در منطقه ما هیچ امکانات صحتی وجود ندارد. هر خانواده تنها بسته‌های کمک‌های اولیه برای مداوای زخم‌ها و پانسمان‌های ابتدایی دارند. ما نتوانستیم پدرم را فوراً به شفاخانه منتقل کنیم، چون به خاطر جنگ و درگیری‌ها راه‌های مواصلاتی مسدود شده بود. اگر شفاخانه نزدیک می‌بود شاید او زنده می‌ماند. چون پس از زخمی شدن حدود ۲۰ دقیقه زنده بود. نزدیک‌ترین شفاخانه ۴ کیلومتر با محل زندگی ما فاصله داشت، اما به خاطر این‌که جنگ بود امکان رسیدن به این شفاخانه وجود نداشت.»^{۸۳}



حمله هوایی پاکستان در منطقه پل چرخ کابل
۱۳ مارچ ۲۰۲۶ | عکس: آژانس خبری پژواک

80. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۲۱، ۲۱ اپریل ۲۰۲۶.

81. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۳، ۲۹ اپریل ۲۰۲۶.

82. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۸، ۲۰ می ۲۰۲۶.

83. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۹، ۱۶ فبروری ۲۰۲۶.

پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی حملات بر زندگی غیر نظامیان

بر بنیاد یافته‌های این تحقیق، تبعات ناشی از حملات نیروهای نظامی پاکستان بر شهروندان غیر نظامی در افغانستان، به تلفات انسانی و خسارات مادی محدود نمانده، بلکه پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی عمیقی بر قربانیان و خانواده‌های آنان بر جای گذاشته است. ترس مداوم، از دست رفتن احساس امنیت، اختلال در آموزش کودکان، تشدید فقر و بی‌جا شدگی از جمله موارد مشترکیاند که در روایت‌های اکثر مصاحبه‌شوندگان برجسته شده است. این الگوها نشان می‌دهد که پیامدهای مخاصمه حتی پس از پایان حملات، هم‌چنان بر زندگی غیر نظامیان سایه افکنده و روند بازگشت آنان به زندگی عادی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.



الف) آسیب‌های روانی بر قربانیان و خانواده‌های آنان

تمامی مصاحبه‌شوندگان این تحقیق، اظهار داشته‌اند که این حملات احساس امنیت و آرامش روانی را از آنان و اعضای خانواده‌های شان سلب کرده و پیامدهای منفی متعددی بر زندگی روزمره آن‌ها بر جای گذاشته است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفته است:

«وضعیت همه ما خراب است. گاهی گریه می‌کنم.... ما با فقر و مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنیم. ریکشایی (سه چرخ) که با آن کار می‌کنم هم از خودم نیست و برای کس دیگری کار می‌کنم. همه چیز را به خدا سپرده‌ایم. تنها خواهش من از شما این است که صدای ما را به دنیا برسانید.»^{۸۴}

هم چنین، یک مصاحبه‌شونده دیگر اظهار داشته است:

«زمانی که همسر من کشته شد، زندگی من از این رو به آن رو شد. از آن زمان تا حالا با مشکلات جدی روانی دست و پنجه نرم می‌کنم. گاهی شب‌ها از خواب بیدار می‌شوم، در جای خواب خود می‌نشینم و بدون آن که خودم متوجه رفتارم باشم با خود حرف می‌زنم و حتی گاهی اتفاق افتاده که در خواب راه رفته‌ام. این را دوستانم که با من زندگی می‌کنند برایم می‌گویند... این حادثه ضربه بسیار بزرگی بر زندگی من وارد کرده است.»^{۸۵}

مصاحبه‌شونده دیگر روایت کرده است:

«برادر زاده‌ام دانشجوی صنف دوم دانشکده کامپیوتر ساینس بود. پدرش از او می‌خواست که در کنار درس، کاری هم پیدا کند. اما از زمانی که او را از دست داده وضعیتش بسیار خراب شده است... شش یا هفت کیلو وزن کم کرده و مادرش نیز از نظر روحی وضعیت بسیار بدی دارد. طبیعی است که از دست دادن یک فرزند جوان زندگی انسان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. توقع ما این است که این موضوع به گوش جهانیان برسد و از تکرار چنین حملاتی جلوگیری شود. حالا هر بار که هواپیماها در آسمان کابل پرواز می‌کنند، همه دچار ترس و وحشت می‌شوند.»^{۸۶}

ب) پیامدهای حملات بر زنان

بر بنیاد یافته‌های این تحقیق، حملات نظامی پاکستان در افغانستان، با پیامدهای گسترده و قابل توجهی بر زندگی زنان به همراه بوده است. چنان‌که از مجموع قربانیان این حملات که رواداری آن را مستند کرده است، ۱۷۴ تن از مجموع قربانیان را زنان تشکیل می‌دهند. همین‌طور، از مجموع ۲۹ هزار خانواده‌های بی‌جا شده در ولایت‌های مختلف، بخش قابل توجهی آنان را زنان تشکیل می‌دهند. با این وجود، آثار حملات بر زنان تنها به تلفات انسانی و بی‌جاشدگی محدود نبوده بلکه پیامدهای گسترده روانی، اجتماعی و اقتصادی را نیز بر زندگی آنان تحمیل کرده است.

معلولیت، افسردگی، اضطراب، احساس ناامنی مداوم، بروز مشکلات جسمی ناشی از فشارهای روانی، فقر و مشکلات اقتصادی زنان، از مهم‌ترین مواردی اند که به صورت مکرر در روایت‌های مصاحبه‌شوندگان مطرح شده است. در شماری از موارد مصاحبه‌شوندگان از وخامت وضعیت صحتی مادران و همسران قربانیان، حملات قلبی ناشی از فشار روانی، گریه‌های مداوم و ناتوانی آنان در بازگشت به زندگی عادی سخن گفته‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان بار اصلی پیامدهای عاطفی و روانی حملات را بر دوش می‌کشند.

84 - رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۸، ۲۰ می ۲۰۲۶.

85 - رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۷، ۲۲ می ۲۰۲۶.

86 - رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲، ۹ جون ۲۰۲۶.

یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد چنین روایت کرده است:

«وضعیت روانی و صحنه مادر و همسر او بسیار وخیم است. خانه‌های ما دیوار به دیوار است و هر صبح صدای گریه مادر و همسرش را می‌شنویم. مادرش پس از شهادت پسرش چندین بار دچار حمله قلبی شده و برای درمان به شفاخانه منتقل گردیده است. همسر جوانش نیز از نظر روانی وضعیت بسیار بدی دارد. هر روز با خود صحبت می‌کند و بی‌وقفه گریه می‌کند. هر روز سر قبر شوهر جوانش می‌رود، ساعت‌ها همان‌جا می‌نشیند و گریه می‌کند. سپس اعضای خانواده با خواهش و اصرار او را به خانه باز می‌گردانند.»^{۸۷}

مصاحبه‌شونده دیگر گفته است:

«در بدر شدم، همه اعضای خانواده‌ام از نظر جسمی و روحی آسیب دیده‌اند. همسر من در این حمله معلول شد و دیگر توان راه رفتن ندارد....»^{۸۸}

با این همه، زنان به‌رغم آن‌که بخش قابل‌توجهی از قربانیان مستقیم این حملات را تشکیل می‌دهند، همچنین دیگر اشکال پیامدهای بلند مدت مخاصمه را به گونه‌ای نامتناسب متحمل شده‌اند. این وضعیت ضرورت اتخاذ تدابیر ویژه برای حمایت روانی، اجتماعی، اقتصادی و توجه به نیازهای خاص آنان را برجسته می‌سازد.

ج) پیامدهای روانی حملات بر کودکان و محرومیت آن‌ها از حق آموزش

تمامی مصاحبه‌شوندگان به آسیب‌های روانی وارد شده بر کودکان از جمله ترس، اضطراب و ناامنی ناشی از حملات اشاره کرده‌اند. همین‌طور، ۱۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته‌اند که در نتیجه بی‌جا شدگی و تشدید حملات و درگیری‌ها، کودکان برای مدتی از حق آموزش محروم شده‌اند.

یک مصاحبه‌شونده در این مورد چنین روایت کرده است:

«کودکان آسیب‌های روانی شدیدی دیده‌اند. از ترس اصابت مرمی نمی‌توانند از خانه بیرون بروند یا بازی کنند و شب‌ها نیز با ترس از خواب بیدار می‌شوند. امسال به دلیل این وضعیت دو ماه از مکتب باز ماندند. مردم بسیار فقیر هستند اما به دلیل ترس از جنگ حتا نمی‌توانند در زمین‌های زراعتی خود کار کنند. خواست ما از جامعه جهانی این است که صدای مظلومیت ما را بشنوند. ما چه گناهی کرده‌ایم؟ چرا دولت پاکستان مردم ملکی را هدف قرار می‌دهد؟ چرا ما را می‌زند؟»^{۸۹}

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفته است:

«پدرم را در این حمله از دست دادیم و مادرم نیز زخمی شد. مواشی‌ام از بین رفت و کودکانم هنوز به مکتب نمی‌روند و در خانه مانده‌اند. پیش از این حمله همه‌شان به مکتب و مدرسه می‌رفتند اما اکنون به دلیل ترس و احساس ناامنی علاقه خود را به ادامه آموزش از دست داده‌اند.»^{۹۰}

87. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۲ می ۲۰۲۶.

88. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۵، ۱۷ می ۲۰۲۶.

89. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱، ۲۷ اپریل ۲۰۲۶.

90. رواداری، مصاحبه‌شونده شماره ۱۱، ۹ می ۲۰۲۶.

هم چنین، مصاحبه شونده دیگر اظهار داشته است:

«وضعیت صحت فرزندان و کودکانم بسیار خراب است... پسرانم به دلیل جراحات ناشی از انفجار نمی‌توانند به مکتب بروند. شب‌ها با ترس از خواب بیدار می‌شوند و فریاد می‌زنند. زندگی‌ام تباہ شده است. بی‌خانه و بی‌کاشانه شده‌ام. می‌خواهم به وضعیت صحت و روانی فرزندان و همسر رسیدگی شود و خانه‌ام دوباره ساخته شود.»^{۹۱}

د) پیامدهای اقتصادی و اجتماعی

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که حملات نظامی پاکستان پیامدهای گسترده اقتصادی و اجتماعی بر زندگی خانواده‌های قربانیان، افراد بی‌جا شده و دیگر شهروندان غیر نظامی به جا گذاشته است. چنان‌که ۱۸ نفر از مصاحبه شوندگان رسیدگی به مشکلات اقتصادی و معیشتی را از مهم‌ترین و فوری‌ترین نیازهای خانواده‌های قربانیان و افراد بی‌جا شده عنوان کرده‌اند.

یک تن از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفته است:

«این حملات تأثیرات بسیار بدی بر زندگی مردم گذاشته است... بسیاری از مردم با مشکلات روانی مواجه شده و حتا صدای یک فیر عادی نیز آن‌ها را به وحشت می‌اندازد. مردم همواره نگران‌اند که جنگ دوباره آغاز شود و به همین دلیل در ترس و اضطراب دایمی زندگی می‌کنند. مردم هم چنین با مشکلات اقتصادی روبه‌رو هستند و بسیاری از خانواده‌ها حتا توان خرید کچالو را ندارند. من افراد زیادی را می‌شناسم که همه چیز خود را از دست داده و فعلاً پول خرید روغن برای پختن یک وعده غذا را نیز ندارند.»^{۹۲}

مصاحبه‌شونده دیگر روایت کرده است که:

«این حملات تأثیرات منفی زیادی بر اقتصاد و کار و بار مردم گذاشته است. هر بار که صدای راکت شنیده می‌شود، بازارها و دکان‌ها بسته می‌شود، مردم دچار ترس و نگرانی می‌شوند و هر کس به سوی خانه خود می‌دود... مردم به دلیل حملات نیروهای پاکستان با مشکلات روانی روبه‌رو شده‌اند و هیچ کس احساس آرامش و امنیت نمی‌کند، زیرا همواره احتمال اصابت راکت وجود دارد. دهقانان نیز از ترس حملات، نتوانسته‌اند به زمین‌های زراعتی خود رسیدگی کنند. به‌طور کلی فضای ترس و وحشت دایمی بر مرکز ولایت کنرو و به‌ویژه ولسوالی‌های مرزی آن حاکم است. بیش‌ترین آسیب روانی را زنان و کودکان دیده‌اند... هر بار که صدای انفجار یا شلیک شنیده می‌شود، کودکان جیغ می‌زنند و زنان کلمه خود را می‌خوانند.»^{۹۳}

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان گفته است:

«زندگی ما تباہ شد. دو عضو خانواده‌ام شهید شدند و درد از دست آنان هنوز هم در خانواده ما باقی است. از کار و زندگی بازماندیم، خانه ما ویران شد و زمین‌های زراعتی ما بدون کشت ماند. کودکان و زنان با مشکلات روانی روبه‌رو شده‌اند و شب‌ها خواب آرام ندارند. پولی برای خرید مواد غذایی نداریم. نبود آب آشامیدنی صحت، دوا و داکتر از بزرگ‌ترین مشکل ما است. نگرانی دیگر ما این است که نمی‌دانیم چه زمانی می‌توانیم به خانه خود برگردیم و چگونه زندگی سابق خود را دوباره آغاز کنیم.»^{۹۴}

91. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۵، ۱۷ می ۲۰۲۶.

92. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۹، ۷ می ۲۰۲۶.

93. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۴، ۷ می ۲۰۲۶.

94. رواداری، مصاحبه شونده شماره ۱، ۶ می ۲۰۲۶.

آن گونه که در روایت های قربانیان مطرح شد، با وجود تفاوت در نوع خسارات و شرایط زندگی، تقریباً تمامی قربانیان بر چند خواسته مشترک تاکید کرده اند، توقف حملات، حمایت از خانواده های قربانیان و افراد بی جا شده، رسیدگی به وضعیت صحتی و روانی آسیب دیدگان، جبران خسارات و رساندن صدای آنان به جامعه جهانی.

حمله هوایی پاکستان بر ولسوالی چمکنی ولایت پکتیا
۲۹ جون ۲۰۲۶ | عکس: آژانس خبری پژواک



نتیجه‌گیری

یافته‌های این گزارش نشان داده است که نیروهای نظامی پاکستان در فاصله زمانی دسامبر ۲۰۲۴ تا جون ۲۰۲۶ مجموعه‌ای از حملات هوایی و زمینی را در ولایت‌های مختلف افغانستان انجام داده‌اند که منجر به کشته و زخمی شدن صدها تن از شهروندان غیر نظامی؛ به ویژه زنان و کودکان و تخریب خانه‌های مسکونی، تاسیسات عمومی و خدماتی شده است. همین‌طور، آوارگی و بی‌جا شدگی هزاران تن از غیر نظامیان در مناطق درگیر، از دیگر پیامدها و آثار این حملات می‌باشد.

بر بنیاد اطلاعات و شواهد گردآوری‌شده، نیروهای نظامی پاکستان طی این مدت، حملات خود را عمدتاً در جریان شب و بدون رعایت اصول تفکیک و احتیاط، بر مواضع غیر نظامی و محلات مسکونی متعلق به غیر نظامیان در افغانستان انجام داده‌اند؛ امری که موجب افزایش تلفات انسانی، تشدید رنج غیر نظامیان و ایراد خسارات و آسیب‌های گسترده شده است.

با این وجود، استمرار حملات هوایی و زمینی پاکستان علیه اهداف غیر نظامی در افغانستان که به‌طور مکرر طی سال‌های اخیر انجام شده است، در تضاد آشکار با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار داشته و می‌تواند مصداق جنایت جنگی تلقی شود.

با این همه، انتظار می‌رود که یافته‌ها و پیشنهادات مندرج در این گزارش، مورد توجه جامعه جهانی و سایر مراجع ذیربط بین‌المللی قرار گیرد و زمینه اتخاذ و اجرای اقدامات موثر و عملی را برای پایان دادن به رنج غیر نظامیان، تضمین پاسخ‌گویی طرف‌های متخاصم در قبال نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه و رسیدگی مؤثر به وضعیت خانواده‌های قربانیان، مجروحان و بی‌جا شدگان فراهم سازد. هم‌چنین ضروری است که این اقدامات در راستای حمایت از حقوق قربانیان، جبران خسارات وارده و جلوگیری از تکرار چنین نقض‌هایی، طرح و اجرا شوند.

پیشنهادهای

روداداری، با توجه به یافته‌های این گزارش و با هدف تقویت پاسخ‌گویی، پیش‌گیری از تکرار نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه و به‌ویژه تضمین حفاظت از غیرنظامیان در محاصره جاری پیشنهادات زیر را ارائه می‌کند.

به دولت پاکستان

- از دولت پاکستان جدا می‌خواهیم به حملاتی که منجر به تلفات غیرنظامیان می‌شود، فوراً پایان داده و اصول تفکیک، تناسب و احتیاط را مطابق با حقوق بین‌الملل بشردوستانه در هرگونه عملیات نظامی به عنوان مکلفیت حقوقی خود، رعایت کند.
- هم‌چنین از دولت پاکستان می‌خواهیم که از هرگونه حمله و عملیات نظامی علیه تاسیسات و زیرساخت‌های غیر نظامی و اقتصادی در افغانستان، مانند شفاخانه‌ها و مراکز درمانی، مکاتب، مساجد، خانه‌های مسکونی و بازارها جدا خودداری نماید.
- درباره موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه تحقیقات موثر انجام داده و عاملان آن را پاسخ‌گو سازد. هم‌چنین، خسارات وارد شده به قربانیان و خانواده‌های آنان در افغانستان را جبران نماید.

به مقامات حاکم در افغانستان

- از مقامات حاکم در افغانستان جدا می‌خواهیم که به تعهدات قانونی خود در مورد محافظت از غیرنظامیان عمل نموده و از استقرار هرگونه تجهیزات، ابزار آلات جنگی و نیروهای نظامی در مناطق پر جمعیت غیر نظامی خودداری کنند.
- از مقامات حاکم انتظار می‌رود که محدودیت‌های اعمال شده بر دسترسی به اطلاعات را برطرف نموده و اجازه بدهند که رسانه‌ها، سازمان‌های حقوق بشری و گروه‌های کمک‌رسان بدون مانع کار کنند. افزون بر این، زمینه تحقیقات مستقل و بی‌طرف سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای بین‌المللی در مورد پیامدهای ناشی از حملات نظامی پاکستان بر زندگی غیرنظامیان در افغانستان را فراهم نمایند.
- هم‌چنین، مقامات حاکم باید تضمین کنند که قربانیان و شاهدان بدون هرگونه محدودیت یا ترس از انتقام و آزار، اطلاعات خود را با نهادهای حقوق بشری و رسانه‌ها شریک کنند.
- از مقامات حاکم خواسته می‌شود که درباره تلفات غیرنظامیان، تخریب اموال عمومی و خصوصی، بی‌جاشدگی و سایر موارد احتمالی نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه تحقیق نموده و نتایج آن را منتشر کنند.
- همین‌طور، مقامات حاکم باید کمک‌های فوری و ضروری از جمله مواد غذایی، سرپناه، خدمات صحتی و سایر حمایت‌های بشردوستانه را برای خانواده‌های قربانیان، مجروحان و بی‌جا شدگان فراهم نموده و دسترسی برابر آن‌ها به این خدمات را تضمین کنند.
- روداداری از مقامات حاکم می‌خواهد که برای تامین دسترسی موثر و بدون تبعیض کودکان بی‌جا شده به حق آموزش، تدابیر و اقدامات لازم را اتخاذ و اجرا نمایند.

- علاوه بر این، از مقامات حاکم خواسته می‌شود که برنامه‌های حمایتی ویژه برای زنان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت آسیب دیده از حملات را، طرح و اجرا نموده و زمینه بازگشت داوطلبانه، امن و با کرامت بی‌جا شدگان را فراهم نمایند.
- از مقامات حاکم می‌خواهیم که مناطق آسیب دیده، به ویژه مکاتب، مدرسه‌ها و مراکز درمانی را بازسازی نموده و دسترسی شهروندان به خدمات این مراکز را دوباره تامین کنند.

به سازمان ملل متحد، جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی

- از سازمان ملل متحد می‌خواهیم که موارد نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه در افغانستان به خصوص حمله بر مرکز درمان و بازپروی معتادان در شهر کابل را به صورت مستقل، بی‌طرفانه و موثر بررسی نموده و از تمامی مکانیسم‌های موجود برای پاسخ‌گو ساختن عاملان، حمایت از قربانیان و جلوگیری از تکرار نقض‌های بیشتر، استفاده کند.
- بر حکومت پاکستان فشار نماید تا به تعهدات خود براساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه، عمل نموده و از هرگونه اقدامی که جان و امنیت غیرنظامیان را به خطر می‌اندازد، خودداری کنند.
- هم‌چنین، از سازمان ملل متحد توقع داریم که کمک‌های بشردوستانه، به خصوص در زمینه تامین سرپناه، مواد غذایی، خدمات صحتی، حمایت‌های روانی و اجتماعی و رسیدگی به وضعیت بی‌جا شدگان را افزایش داده و دسترسی آسیب دیدگان به این خدمات را تسهیل کند.
- از نهادهای امداد رسان بین‌المللی می‌خواهیم که خدمات روانی و اجتماعی را برای قربانیان حملات، مخصوصاً زنان، کودکان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر گسترش داده و برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی و معیشتی برای آنان را طرح و اجرا نمایند.
- همین‌طور، از جامعه جهانی می‌خواهیم که از اقدامات موثر سیاسی، دیپلماتیک و بشردوستانه برای حفاظت از غیر نظامیان در افغانستان، کاهش آسیب‌های ناشی از مخاصمه و جلوگیری از تکرار حملات علیه غیر نظامیان، حمایت کند.

